

اعلامیه اتحادیه ملی ژورنالیستان افغانستان در پیوند با جلب مسوولان روزنامه‌های آرمان ملی و هشت صبح به لوی سارنوالی

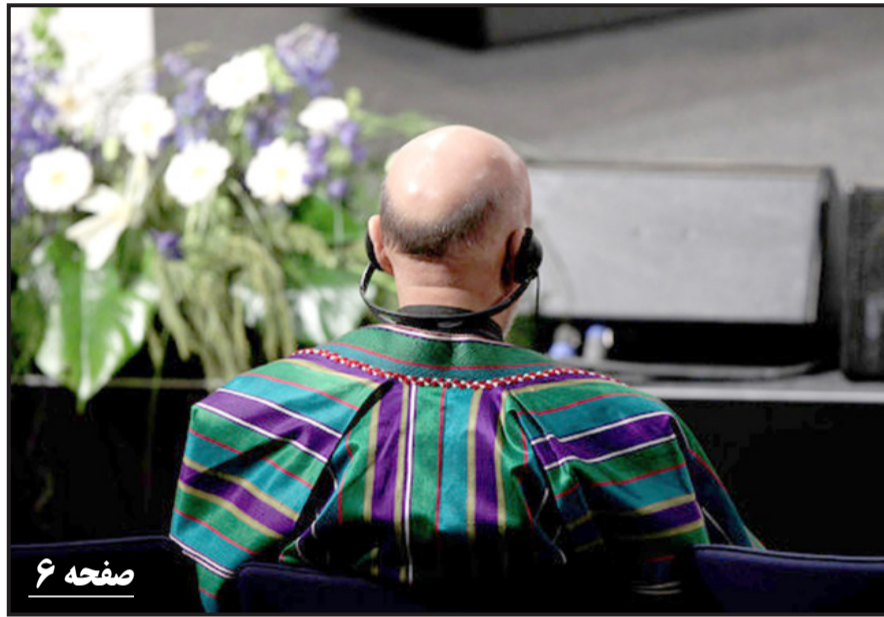
مدیران مسوول روزنامه‌های هشت صبح و آرمان ملی، روز گذشته از سوی لوی سارنوالی جلب و زیر تحقیق قرار گرفتند. بر اساس گفته‌های مسوولان روزنامه‌های هشت صبح و آرمان ملی، اولی به دلیل نشر گزارشی زیر عنوان «یافته‌های هشت صبح: معادن افغانستان تاراج می‌شوند» که در شماره ۱۶۱۶ مورخ ۱۱ حمل ۱۳۹۲ خورشیدی در این روزنامه به نشر رسیده است، و دومی به دلیل نشر خبری زیر عنوان «بیست کیلو طلای سفید از فرودگاه کابل به‌طور قاچاق کشیده شده» که در یکی از شماره‌های منتشره‌های متشهره‌ی جدی سال ۱۳۹۱ چاپ شده، مورد بازجویی قرار گرفته‌اند.

مدیر مسوول روزنامه آرمان ملی در پی راجع شدن شکایت مسوولان بخش‌های مختلف فرودگاه کابل، از سوی «کمیسون رسیده‌گی به تخطی‌ها و شکایات رسانه‌یی» به لوی سارنوالی و مدیر مسوول روزنامه هشت صبح بر مبنای شکایت وزیر معادن، از سوی لوی سارنوالی مورد جلب و بازجویی قرار گرفته‌اند.

اتحادیه ملی ژورنالیستان افغانستان، حکم جلب و بازجویی هر دو مدیر مسوول را برخلاف احکام صریح قانون رسانه‌های همه‌گانی می‌داند.

بر مبنای حکم ماده چهل و سوم قانون نافذ رسانه‌های همه‌گانی، رسیده‌گی به شکایت از یک رسانه... ادامه صفحه ۶

استخبارات بریتانیا هم به کرزی پول داده است!



* فساد در ارگ متمرکز شده است

اگر ز باغ رعیت ملک خورد سیبی

برآوردن غلامان او درخت از بیخ

«رییس جمهور به خاطر اخذ پول‌های غیر قانونی، قابل محاکمه است و باید به دادگاه کشانده شود.»

وحید مژده تحلیل گر سیاسی:

بدون یک اجندای ملی نمی‌توانیم مشکلات امروز افغانستان را حل کنیم

امریکایی‌ها از ولسوالی گوشته ولایت ننگرهار عقب نشینی کردند و خاک افغانستان را در اختیار پاکستانی‌ها قرار دادند و این مساله نشان می‌دهد که امریکایی‌ها برای دفاع از خودشان حاضرند تا بخش از خاک افغانستان را در اختیار پاکستان قرار دهند. بنابراین اگر ما قبل از سال ۲۰۱۴ نتوانیم به یک اجندای ملی دست پیدا کنیم، آینده ما تاریک‌تر از گذشته خواهد بود

صفحه ۷



سناتوران:

حکومت اقدامی برای کاهش بیکاری نکرده است

شماره از سناتوران کشور می‌گویند که حکومت در ۱۱ سال گذشته هیچ اقدامی برای رفع بی‌کاری در کشور انجام نداده است. آنان تاکید کردند که اگر روند موجود بیکاری همین طور ادامه پیدا کند، نیروهای کاری کشور را ترک خواهند کرد.

علی اکبر جمشیدی از اعضای مشرانو جرگه گفت که در جریان یازده سال گذشته همواره بر شمار مهاجران افغانی در شماری از کشورهای اروپایی و آسیایی افزوده شده است.

جمشیدی افزود: حکومت از امکاناتی که در جریان یازده سال گذشته در اختیارش قرار داشته، استفاده کرده نتوانسته است.

این سناتور کشور هشدار داد که اگر دولت برای رفع بیکاری اقدام نکند به زودی... ادامه صفحه ۶

د تورخم دروازه و تپل شوه

د دواړو خواوو ځواکونه یو بل ته په مورچو کې ناست دي



د ننگرهار د سرحدی پولیسو چارواکي وايي، چې پاکستان د تېرې ورځې له سهاره د تورخم دروازه د ترافیکو پر مخ تړلې او هیچا ته د تگ را تگ اجازه نه ورکوي.

په تورخم دروازه کې دواړو خواوو ته په سلگونه کسان د دروازه د خلاصولو په هیله ولاړ دي، چې له ډېرو ستونزو سره مخ دي.

د اقتصادي چارو پوهان وايي، چې د تورخم دروازه تړل به په هېواد کې پر اقتصاد ناوړه اغېز وکړي او د توکیو بېی به ورسره لوړې شي.

د تورخم سرحدی دروازه د سرحدی پولیسو کمیسار سمونمل هدایت الله اوريا وايي، چې پاکستانیو ځواکونو د تورخم دروازه له پرون سهار راهیسې د ترافیکو پرمخ تړلې ده.

هغه وايي، په دې دروازه هیڅوک هغه که قانوني اسناد لري او که نه تگ راتگ نشي کولای.

در برگ ها



بازهم
افتضاحی
دیگر از ارگ



تبلیغ شرم‌آور
توره‌های
جنسی در
انترنت



جیغ‌ها رنگ
ندارند
همه قرمز اند!



نشش مدال طلا
حاصل حضور
تیم ملی
پرورش اندام
افغانستان
در مسابقات
آسیایی

احمد عمران

باز هم افتضاحی دیگر از ارگ

و برای مقاصد اوپراتیوی مصرف شده‌اند، در حالی که واریزکننده‌گان این پول‌ها از مبالغ هنگفت سخن می‌گویند. حالا باید کدام حرف و سخن را در این مورد درست و قابل قبول پنداشت؛ حرف‌های متناقض مقام‌های بلندپایه کشور را و یا نهادهایی که به افشای این‌گونه مسایل پرداخته‌اند؟

در این جای تردیدی نیست که سازمان‌های پرداخت‌کننده این پول‌ها به مراکز اصلی خود گزارش‌های موثقی از نوع پرداخت و مقدار آن ارایه می‌کنند و این‌گونه نیست که کاخ سفید از پرداخت این‌گونه پول‌ها خبر نداشته باشد؛ ولی مشکل این‌جاست که وقتی مردم افغانستان از واریز شدن این‌گونه پول‌ها اطلاع می‌یابند که پیش از آن رییس‌جمهوری هیچ اشاره مشخصی به آن‌ها نداشته است.

آقای کرزی اگر گوشه چشمی به منافع ملی کشور می‌داشت، بدون شک نهادهای مسوول را از واریز شدن این‌گونه پول‌ها باخبر می‌کرد و راه‌های مصرف قانونی آن‌ها را می‌سنجید. اگر او به محو فساد در کشور می‌اندیشید و آن را عامل اصلی مشکلات امروز کشور می‌دانست، هرگز به چنین پنهان‌کاری‌هایی دست نمی‌زد. مشخص است که آقای کرزی خود عامل گسترش فساد در کشور است و نمی‌خواهد گامی عملی برای مبارزه با آن بردارد.

از سوی دیگر، افشای این‌گونه موارد فساد، بیان‌گر این مسأله می‌تواند باشد که خارجی‌ها هم برخلاف ادعاهای خود، در ترویج فرهنگ فساد در کشور دست داشته‌اند. اگر از یک‌سو جامعه جهانی خواهان مبارزه با فساد اداری و مالی در افغانستان است، از طرف دیگر می‌بینیم که نهادهای استخباراتی این کشورها عملاً در به فساد کشاندن نهادها و مقام‌های کشور ذی‌دخل بوده‌اند.

بدون تردید این کشورها برای منافع خود دست به هر اقدامی می‌زنند، ولی باید به این نیز فکر کنند که فساد کردن نهادها و مقام‌های کشور، زیان‌های جبران‌ناپذیری را متوجه اهداف و برنامه‌های‌شان در منطقه و افغانستان می‌سازد.

فساد در ارگ ریاست‌جمهوری می‌تواند کل فضای جامعه را مخدوش و متأثر کند. این مسأله سبب می‌شود که برنامه‌های صلح و امنیت در کشور به مخاطره بیافتد و توازن قدرت به گونه غیرقانونی به نفع گروه‌های خشونت‌طلب و تندرو تغییر یابد.

وارد شدن پول‌های غیرقانونی به ارگ ریاست‌جمهوری که می‌تواند اصلی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری‌های کلان کشور باشد، نفوذ بیگانه‌ها را در امور افغانستان افزایش



پیش از این هم آقای کرزی به گرفتن پول از کشورهای همسایه متهم شده بود که با افتخار آن را تأیید کرد و حتا گفت که کشورهای مختلفی چنین پول‌هایی را در اختیار ارگ ریاست‌جمهوری قرار می‌دهند. آیا واریز شدن پول‌های بدون سند و مرجع به ارگ ریاست‌جمهوری و مصرف آن‌ها در موارد مشکوک، یک عمل غیرقانونی نیست که باید از سوی نهادهای عدلی و قضایی کشور مورد پیگرد قرار گیرد؟

بدون شک دریافت این‌گونه پول‌ها از هر مرجع و محلی که صورت گیرد، با قوانین موجود در کشور منافات دارند و با عاملان آن باید برخورد قانونی شود.

آقای کرزی به چه حقی به نام مردم افغانستان از مراکز استخباراتی و اطلاعاتی پول دریافت می‌کند، در حالی که مشخص نیست این پول‌ها برای چه مقاصدی استفاده می‌شوند؟

بودجه عادی و توسعه‌ی کشور باید از سوی وزارت مالیه تدوین شود و به تصویب مجلس

افشای سرازیر شدن ده‌ها میلیون دالر از سوی سازمان سی.ای.ای (اداره مرکزی استخبارات ایالات متحده آمریکا) به دفتر رییس‌جمهور کرزی در بیش از یک دهه گذشته، می‌تواند نشانه روشن فساد اداری موجود در ارگ ریاست‌جمهوری به شمار رود. به ویژه این‌که اظهارنظرهای مقام‌های بلندپایه در این خصوص، چنان تناقض‌آمیز و چندپهلوی است که نمی‌توان بر پایه آن‌ها به کینه مسأله دست یافت.

آقای کرزی که باید حالا از او به عنوان سلسله‌جانبان فساد اداری در کشور نام گرفت، هر از گاهی که به همکاری با سازمان‌های استخباراتی و اطلاعاتی کشورهای مختلف متهم می‌شود، به جای این‌که توضیح قابل‌پذیرشی از این‌گونه همکاری‌ها ارایه کند، به شکل افتضاح‌آمیزی مسایل را درهم می‌پیچد و تصویری غیرواقعی از آن‌چه که وجود دارد، در اختیار رسانه‌ها قرار می‌دهد.

اگر سخنان مقام‌های بلندپایه کشور در خصوص این‌گونه مسایل یک‌دست می‌بود، باز می‌شد که به این‌گونه توجیه‌گری‌های واهی دل خوش کرد. ولی وقتی رییس‌جمهوری می‌گوید که این‌گونه پول‌ها را شورای امنیت ملی دریافت کرده و مشاور شورای امنیت ملی، خلاف سخنان رییس‌جمهوری، از بی‌خبری‌اش در این خصوص سخن می‌گوید، باید نسبت به واقعیت مسأله شک کرد.

آقای کرزی فکر می‌کند با فرافکنی و گفته‌های تناقض‌آلود، می‌تواند از خود رفع اتهام کند و حتا از آن به نفع خود استفاده برد. در حالی که چنین افشاگری‌هایی نه تنها برای آقای کرزی نمی‌تواند مایه مباهات باشد، بل ذهنیت عامه را نسبت به عمل‌کردهای خطرناک و چندپهلوی او که با منافع ملی کشور عملاً در تناقض قرار دارند، بیشتر دچار تردید می‌سازد.

آقای کرزی در حالی از مبارزه با فساد در کشور اطمینان می‌دهد، که حکومتش چنان به فساد آلوده شده که هر اقدام سازنده در جهت محو فساد، در نطفه خنثا می‌گردد. البته موارد مختلفی از فساد از سوی آقای کرزی نیز گزارش شده است. از جمله این‌که: خانه‌یی را که او می‌خواهد در افغانستان برای خود بسازد، با پول‌های کلان بیت‌المال در دست ساخت قرار دارد.

سخن‌ماندگار

پس از ۱۱ سال هیاهو چه باید کرد؟

یازده سال قبل، درست حول و حوش همین ماه‌ها، اداره موقت به رهبری حامد کرزی به وجود آمد که پس از یک دوره جنگ و وحشت، این اداره به تنها روزنه امید مردم افغانستان بدل شده بود.

شور و شعفی که مردم برای آزادی، امنیت، رفاه و عمران از خود نشان دادند، پشتیبان بسیار محکمی برای اداره موقت شد که حتا توانست این اداره را به دوره انتقالی و پس از آن، به دوره انتخابات عبور دهد.

قانون اساسی، رییس‌جمهور منتخب و تشکیل پارلمان، از ملموس‌ترین پدیده‌هایی بودند که در همان آغاز به وجود آمدند؛ برای این‌که چارچوب تکوینی نظام در افغانستان شکل گرفته باشد و مبارزه با پدیده‌های نظام‌برانداز و قانون‌ستیز انسجام یابد. اما سوگ‌مندانه که نظام در همان مرحله نخست باقی ماند و هیچ‌گاه سیر تکوینی خود را سپری نکرد. زیرا به دلیل جعل و تزویری که در قانون اساسی رونما شد، نظام سیر قهقریایی به خود گرفت تا این‌که به جای مبارزه با دشمنان مردم افغانستان، راه دوستی با آن‌ها در پیش گرفته شد، فساد گسترش یافت، سیاست قومی در سرلوحه برنامه دولت‌مداران قرار گرفت، کشت و قاجاق مواد مخدر افزایش یافت، سرمایه پروژه‌های عمرانی به غارت رفت، امنیت بدتر شد، مردم فقیرتر شدند، زیرساخت‌های اقتصادی شکل نگرفتند و... که در نتیجه امروز همه‌چیز بر لبه پرتگاه قرار گرفته است.

تردیدی نیست که به‌رغم این همه اتفاقات ناخوشایند، یک‌سری تغییرات سطحی و شکننده نیز به میان آمدند که کسی نمی‌تواند منکر آن‌ها باشد. از جمله این‌که: تجارت رونق گرفت، رسانه‌ها گسترش یافتند و بلندمنزل‌ها بنا شدند. اما زیرساخت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور، هم‌چنان ویران باقی ماندند و اندک تلاشی در راستای احیای آن‌ها صورت نگرفت.

سردمداران نظام کنونی، همواره برای همین تغییرات سطحی و شکننده هیاهو کرده‌اند و آن را به عنوان دستاوردهای درخشان قلمداد نموده‌اند. حال آن‌که ممکن است با اندک‌ترین ناامنی، این دستاوردهای به اصطلاح درخشان، از میان بروند و اثری از آن‌ها باقی نماند.

تأسف‌بارتر از همه این‌که: اکنون در آستانه خروج کامل نیروهای خارجی و پیش‌بینی‌های احتمالی افزایش ناامنی‌ها نیز، این هیاهوها و خوش‌خیالی‌ها ادامه دارد و متولیان امور هنوز هم وانمود می‌کنند که خطر بزرگی فرا راه مردم افغانستان قرار ندارد. هرچند سکان‌داران نظام کنونی خودشان بهتر می‌دانند که چه بدبختی‌های بزرگی را برای مردم افغانستان به‌بار آورده‌اند، اما تقلاً می‌کنند که مردم را در ناآگاهی قرار دهند و به آنان بقبولانند که اوضاع کاملاً در کنترل و مدیریت دولت و حکومت قرار دارد.

اما حقیقت اوضاع این است که کشور به شدت نیازمند سیستم جدید و ایجاد اصلاحات در امور کشورداری و حکومت می‌باشد. این اصلاحات، در تمام شئون از جمله در حوزه سیاست احساس می‌شود.

اکنون در این ده - یازده ماهی که به پایان کار این حکومت باقی مانده، اصلاح این همه نابه‌سامانی و خرابی دور از تصور می‌باشد. اما اگر در همین مدت باقی‌مانده نیز شخصیت‌های کارا و متعهدی در رأس امور قرار داشتند، می‌شد امیدوار بود که ریفورم و اصلاحات سیاسی در بخش‌های گوناگون نظام به میان آید. یعنی در پرتو یک گفت‌وگو ملی که محصول تفاهم عمومی نخبه‌گان کشور و هم‌چنان حاصل گفت‌وگوی آن‌ها باشد، می‌شد نیاز به اصلاحات را در بخش‌های گوناگون مدیریتی شناسایی و برای رفع آن‌ها اقدام کرد.

با این‌همه، برای جریان‌های سیاسی کشور هنوز فرصت وجود دارد که با پیش‌گذشته، حرکتی را سامان دهند که مردم افغانستان را به فردایی روشن امیدوار سازد. از هم‌اکنون که تلاش‌ها برای رفتن به سوی انتخابات آغاز شده، نیاز اساسی این است که نخبه‌گان وارد میدان شوند و با ارایه یک برنامه ملی و همه‌شمول، مسیر حرکت به سمت آینده بهتر را مشخص سازند.

در شرایطی که مردم نامید از حکومت در تشویش آینده به سر می‌برند، اهمیت شخصیت‌ها و جریان‌های سیاسی‌یی که در بیرون از نظام قرار دارند، بیش از گذشته احساس می‌شود. از این رو، جریان‌ها و شخصیت‌های سیاسی، باید تمام توانایی‌شان را برای ترتیب و تدوین یک برنامه کلان ملی برای برون‌رفت از وضعیت نامطلوب و رسیدن به آینده مطلوب، به‌خرج دهند و این‌گونه مردم را با خود همراه سازند.

یک حرکت استوار ملی و مبتنی بر برنامه طولانی‌مدت، می‌تواند هم امیدواری‌های مردم را دوباره زنده کند و هم جامعه جهانی را متوجه یک نیروی پویا و کارآمد در داخل افغانستان سازد.

می‌بخشد. این موضوع شاید در برخی موارد، زیاد مورد توجه قرار نگیرد، ولی چنین مسایلی پیامدهای خطرناک و جبران‌ناپذیر در پی خواهد داشت.

آقای کرزی در حالی از منافع ملی سخن می‌گوید و نگران حاکمیت ملی در افغانستان است که خود در معرض استفاده نهادهای استخباراتی و اطلاعاتی کشورهای دیگر قرار دارد. بدون تردید این کشورها با دادن این پول‌ها انتظاراتی نیز از آقای کرزی داشته‌اند و او مجبور بوده که در مواقع مشخص، این‌گونه انتظارات را برآورده سازد.

نماینده‌گان برسند، حال آن‌که چنین پول‌هایی به گونه غیرقانونی وارد کشور می‌شوند و در موارد مشکوک به مصرف می‌رسند. از کجا معلوم است که آقای کرزی این‌گونه پول‌ها را برای اهداف شخصی و تیمی خود که غالباً با منافع ملی کشور تناقض دارند، استفاده نکرده باشد؟ از کجا مشخص است که این‌گونه پول‌ها برای تمویل و تجهیز نیروهای مخالف مسلح به کار نرفته باشد؟

آقای کرزی نشانی‌های واضح و روشنی از موارد استفاده این‌گونه پول‌ها به دست نمی‌دهد. او می‌گوید مقدار این پول‌ها کم بوده

محمد رضا نوروزپور / خبرآنلاین

آیا امریکا به سوریه حمله خواهد کرد؟



آیا تهدیدهای اخیر

امریکا که ناشی

از انتشار گزارشی

مبنی بر استفاده اسد

از سلاح شیمیایی

است به معنی حمله

نظامی به سوریه

است؟

گفت: جامعه اطلاعاتی ما با اطمینانی غیر قاطع ایده استفاده بشار اسد از سلاح‌های شیمیایی، آن هم در مقیاسی محدود، در سوریه را مطرح کرده است.

موضع گیری تقریبا مشابهی نیز از سوی کاخ سفید منتشر شد مبنی بر اینکه جامعه اطلاعاتی امریکا با اطمینانی که میزان آن متغیر است، طی نامه‌ای به اعضای کنگره اطلاع داده که نظام بشار اسد از سلاح‌های شیمیایی، در مقیاسی کوچک استفاده کرده است. این ارزیابی‌ها کافی نیستند و هنوز به شواهد «موتوق و متقن» نیاز است.

روزنامه انگلیسی دیلی تلگراف گزارش داده یکی از مقامات ارشد پنتاگون گفته این نامه مبنای اتخاذ خط مشی‌های استفاده از مداخله نظامی نخواهد بود. این مقام ارشد دفاعی امریکا به موارد قبلی تصمیم‌های اشتباه امریکا بر اساس ارزیابی‌های اطلاعاتی اشاره کرده و نتیجه‌گیری دولت بوش درباره سلاح‌های کشتار جمعی عراق را نمونه‌ای از چنین تصمیم‌هایی دانسته است.

با این همه جمهوریخواهان و بازهای امریکایی از فرصت استفاده کرده و در اظهار نظره‌های تندی از او باما خواسته اند که به عهد خود مبنی بر برخورد نظامی با اسد در صورت استفاده از سلاح‌های شیمیایی عمل کند و به سوریه حمله کند.

سناتور جان مک کین، کهنه سرباز جنگ ویتنام و رقیب انتخاباتی دور اول باراک اوباما در سال ۲۰۰۸ به همراه سناتور لیندزی گراهام، جمهوری خواه از ایالت کارولینای جنوبی دو تن از پیش قراولان این حملات هستند. مک کین رسماً از او باما خواسته است تا وارد فاز نظامی درگیری با سوریه شده و دست کم پایگاه‌های هوایی سوریه را بمباران کرده و نیروی هوایی ارتش سوریه را از پای در آورد.

مک‌کین همچنین معتقد است که امریکا باید مخالفان دولت بشار اسد را مسلح کند و از حملات هوایی برای هدف قرار دادن نیروهای اسد استفاده کرده و یک پناهگاه امن برای آوارگان سوری ایجاد کند.

این اظهارات تند البته محدود به سناتورهای جمهوریخواه نبوده است و دموکرات‌ها نیز از جمله سناتور کلرک کاسکیل از ایالت میسوری نیز با موضع‌گیری‌های تند به میدان آمده اند. این آخرین گفته است که حضور نیروهای امریکایی در سوریه ضروری است.

با این همه او باما طرفدارانی هم دارد که او را به خاطر گوش ندادن به صداهای جنگ طلبانه تشویق می‌کنند و رویکرد حساب شده او در قبال سوریه را می‌ستایند. نیکولاس برنز از جمله این افراد است که در عین حال برای او باما مظلوم‌نمایی هم می‌کند. معاون سابق وزیر امور خارجه امریکا گفته است که او باما در شرایط پیچیده و سختی قرار گرفته است.

برخی از تحلیلگران نیز با اتکاء به مثل گذشته چراغ راه آینده، سعی می‌کنند ماجراهای مربوط به هفته‌های پیش از حمله امریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ به یاد بیاورند، جایی که بوش و بلر با یکدیگر متحد شده و با استناد به یک ادعای واهی مبنی بر وجود سلاح‌های کشتار جمعی در عراق که صدام قادر است ظرف ۴۵ دقیقه آنها را علیه اهداف غرب بکار گیرد، همه را برای عزیمت به جنگ متقاعد کردند.

تفاوت‌های امروز با آن روز این است که رییس جمهور امریکا با شعارهایی بسیار متفاوت از بوش و عملکردی متفاوت تر از او دست کم در ظاهر در کاخ سفید حضور دارد، متحد اصلی او در اروپا یعنی انگلیس پیشتر بی‌تمایلی خود برای ورود به جنگ را اعلام کرده و مهمتر از همه اینکه در پنتاگون به شدت درباره ورود به جنگ با سوریه هشدارهایی داده شده است.

جرج فریدمن، بنیانگذار اندیشکده استراتفور، یک بار در اواسط بحران سوریه نوشت امریکا تمایلی برای ورود به جنگی دیگر در سرزمین مسلمانان ندارد.

به نظر می‌رسد برغم لفاظی‌هایی که در چند روز اخیر پیرامون لزوم اقدام نظامی امریکا علیه سوریه به خاطر استفاده نظام اسد از سلاح شیمیایی علیه مخالفان به راه افتاده، تغییری در تمایل اولیه امریکا ایجاد نشده است.

اعلام موضع برخی از مقامات سیاسی غربی از جمله نخست وزیر انگلیس و مقامات دفاعی امریکا در روزهای گذشته مبنی بر اینکه احتمال دخالت نظامی قریب‌الوقوع در سوریه بعید است نشان می‌دهد که همه چیز در همان سطح لفاظی‌های رسانه‌ای باقی خواهد ماند.

نخست وزیر انگلیس، روز دوشنبه با اشاره به زیاد بودن احتمال استفاده اسد از سلاح‌های شیمیایی تأکید کرد اینکه نیروهای انگلیسی وارد جنگ علیه بشار اسد شوند، بسیار بعید است اما باید حمایت‌ها از مخالفان افزایش یابد تا دولت بشار اسد تحت فشار قرار گیرد.

این موضوع گیری بار دیگر نشان می‌دهد که ادعای گذشته فریدمن درست است او گفته بود: در ایالات متحده امریکا به وضوح تمایلی برای مداخله در یک کشور مسلمان دیگر وجود ندارد، خصوصاً وقتی که پای متحدان اروپایی هم در میان نباشد.

این لفاظی‌ها علیه سوریه که با طرح استفاده نظام اسد از گاز سارین برای کشتار مخالفان مسلح خود از سوی انگلیسی‌ها و اسرائیلی‌ها مطرح شد البته چند دلیل دارد که بیشتر در یادداشتی به آن اشاره شده است. [چهار دلیل برای شیمیایی کردن اسد]

اولین باری که موضوع استفاده از سلاح‌های شیمیایی در سوریه مطرح شد به یک ماه پیش باز می‌گردد، زمانیکه دمشق ادعا کرد مخالفان مسلح در منطقه خان العسل در استان حلب مرتکب این جنایت شده اند. سوریه حتی به سازمان ملل شکایت کرد و برخی از کشورهای غربی و همسایگان را به حمایت از تروریسم متهم کرد و خواستار تحقیق سازمان ملل در این زمینه شد.

این کنش و واکنش چندان مورد توجه رسانه‌های جریان اصلی کشورهای غربی و منطقه قرار نگرفت تا اینکه چند روز پیش عنوان اصلی این رسانه‌ها به انتشار یک گزارش از سوی برخی سازمان‌های اطلاعاتی انگلیس، اسرائیل و امریکا درباره به کار گیری گاز بسیار سمی و کشنده سارین از سوی دمشق علیه مخالفان اختصاص پیدا کرد. [آیا اسد از سلاح شیمیایی استفاده کرده است؟]

از آنجا که افکار عمومی غرب به انتشار گزارش‌های سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی حساسیت زیادی دارند تب تندی درباره چگونگی برخورد مناسب با این خبر پدیدار گشت. او باما که سال گذشته به صراحت استفاده از سلاح‌های شیمیایی در سوریه را خط قرمز امریکا معرفی کرده بود بلافاصله و پیش از آنکه جمهوریخواهان او را وادار به موضع گیری کنند تهدید کرد اگر این ادعا درست باشد قاعده بازی در سوریه تغییر خواهد کرد. [او باما: قاعده بازی در سوریه عوض می‌شود]

نیویورک تایمز در تحلیلی که فردای همان روز منتشر کرد با اشاره به تأکید او باما بر واژه «اگر ثابت شود» نوشت که اتفاق خاصی نخواهد افتاد و قرار نیست امریکا به سوریه حمله کند؛ چون همانگونه که در متن گزارش‌های سازمان‌های اطلاعات و جاسوسی آمده، اثبات این ادعا هنوز نیازمند تحقیق و تفحص و اختصاص وقت و انرژی بیشتری است.

کایتلین هایدن، سخنگوی شورای امنیت ملی امریکا نیز در موضع‌گیری دوپهلویی که می‌شد در لحن آن پیام منتفی بودن اقدام نظامی از سوی امریکا علیه سوریه را خواند

نتانیاهو: ایران هنوز از «خط قرمز» عبور نکرده است



بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، اعلام کرد که برنامه هسته‌ای ایران در آستانه عبور از «خط قرمز» است، اما هنوز از آن عبور نکرده است.

به گزارش خبرگزاری فرانسه از اورشلیم، نخست وزیر اسرائیل که دیروز دوشنبه در جمع مسؤولان ائتلاف احزاب لیکود و بیت‌نو، سخن می‌گفت و همزمان از رادیو این کشور پخش می‌شد، اظهار داشت: «ایران هنوز از خط قرمزی که من در سازمان ملل متحد ترسیم کردم عبور نکرده است.»

با این حال وی اضافه کرد که «ایران به طور سیستماتیک به این خط قرمز نزدیک شده و ما نمی‌توانیم به این کشور اجازه عبور از آن را بدهیم.»

بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، سپتامبر گذشته در جریان سخنرانی‌اش در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، با توضیح مراحل پیشرفت ایران در زمینه غنی سازی اورانیوم، خط قرمزی را ترسیم کرد که به اعتقاد او، ایران با گذشتن از این خط توانایی ساخت سلاح اتمی را خواهد داشت.

این در حالی است که آقای نتانیاهو، مدت‌هاست که خواستار ترسیم یک «خط قرمز مشخص» برای ایران، با استفاده از تهدید حمله نظامی علیه این کشور، از سوی جامعه جهانی به ویژه دولت امریکا است.

چاک هیگل، وزیر دفاع امریکا، در جریان سفر هفته گذشته خود به اسرائیل، بار دیگر بر تعهد امریکا به حفظ امنیت اسرائیل تأکید کرد. وی همچنین در این سفر، قرارداد فروش میلیاردها دلار سلاح، به ویژه موشک و هواپیمای جنگی، به اسرائیل را امضا کرد.

وزیر دفاع امریکا گفت که این قراردادهای پیام روشنی به ایران است تا از رسیدن به سلاح اتمی منصرف شود.

آقای هیگل اضافه کرد که هیچ اختلافی میان امریکا و اسرائیل در زمینه باز داشتن ایران از دست یابی به سلاح اتمی وجود ندارد. این در حالی است که هیچ‌گاه اسرائیل احتمال حمله نظامی به ایران را رد نکرده است.

کشورهای غربی و اسرائیل ایران را متهم می‌کنند که فعالیت‌های هسته‌ای‌اش اهداف نظامی نیز دارد، اما ایران این اتهام را تا کنون رد کرده است.

اوباما و پوتین صحبت تلفنی کردند توافق بر سر افزایش تماس‌های اطلاعاتی



مسئولان در روسیه می‌گویند باراک اوباما، رییس جمهوری امریکا و ولادیمیر پوتین، رییس جمهوری روسیه بر سر افزایش تماس‌های سازمان‌های اطلاعاتی دو کشور توافق کردند. این توافق به دنبال بمب گذاری اخیر در شهر بوستون امریکا صورت می‌گیرد.

گزارش ماندگار به نقل از صدای امریکا: رهبران امریکا و روسیه روز دوشنبه به صورت تلفنی با یکدیگر صحبت کردند. کاخ سفید می‌گوید آقای اوباما از همکاری نزدیک روسیه با امریکا در خصوص پرونده بمب گذاری بوستون قدردانی کرده است.

کاخ سفید همچنین اعلام کرد روسای جمهوری دو کشور در ماه سپتامبر یک نشست دو جانبه برگزار می‌کنند.

مسئولان امریکایی و روسی می‌گویند رهبران دو کشور در مورد همکاری‌های امنیتی آینده از جمله مسائل امنیتی المپیک زمستانی ۲۰۱۴ که در شهر سوچی روسیه برگزار می‌شود، صحبت کردند.

کاخ سفید می‌گوید رهبران روسیه و امریکا همچنین وضعیت سوریه را بررسی کردند و باراک اوباما بر نگرانی خود در مورد تسلیحات شیمیایی سوریه تأکید کرد.

تامرلان تسارنایف و برادرش جوهر تسارنایف، دو متهم بمب گذاری بوستون از روسیه به منطقه بوستون مهاجرت کرده بودند.

مقامات روسی بیش از دو سال پیش در تماسی با مقامات امریکایی، نگرانی خود را درباره آنها بیان کرده بودند. اما سرانجام پرونده تحقیق در مورد این خانواده در امریکا اواخر بهار ۲۰۱۱ بسته شد.

چند روز پیش، مقامات روسی به بازپرسان امریکایی اطلاع دادند که آنها به طور مخفیانه یک مکالمه تلفنی را که در آن مادر تامرلان به صورت مبهم درباره جهاد با پسرش سخن گفته است، ضبط کرده بودند.

بخش نخست

تبلیغ شرم آورِ تورهای جنسی در اینترنت

نویسنده: دونا.م. هوگز

گسترش سریع و روزافزون شبکه اینترنت، به تبلیغات صنعت گردشگری جنسی - به ویژه جهت ساکنان اروپای غربی و آمریکا - رونقی دوچندان بخشیده است. در این تبلیغات خدماتی نظیر تورهای جنسی، فاحشه‌خانه‌ها و سفارش‌های اینترنتی زنان روسپی در کشورهای نظیر تایلند، فیلیپین و کیوبا ارایه می‌شود.

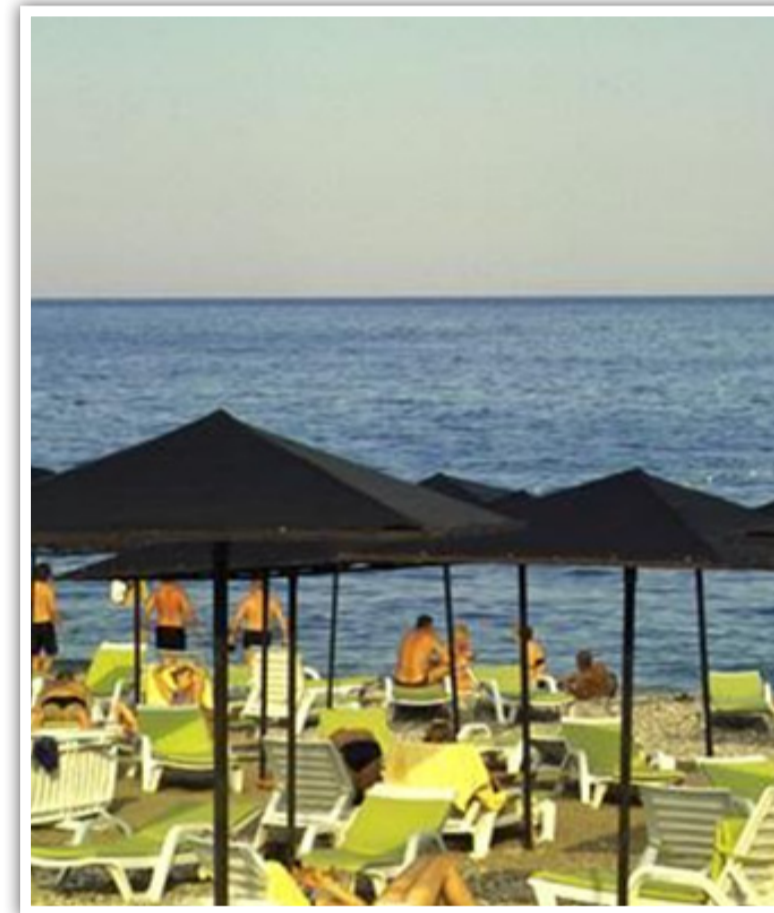
بی‌شک در این وضعیت، علاوه بر گسترش قاچاق زنان و کودکان، ضربات سنگینی بر حقوق انسانی زنان و کودکان وارد شده و آن‌ها را به یک کالای جنسی جهت مردان هوسران گردشگر، تبدیل نموده است. مبلغان تورهای جنسی، اندام‌ها و جنسیت زنان را در کل کره خاکی و از طریق شبکه اینترنت به حراج می‌گذارند. این شبکه، ارتباط بین‌المللی جهت فروش زنان در یک بازار جهانی و به ویژه جهت مردان کشورهای صنعتی، به وجود آورده است. در دو سال گذشته، امکانات چندرسانه‌یی (صوت و تصویر) به شبکه اینترنت افزوده شده که تبدیل رنگ، گرافیک، عکس، انیمیشن، صدا و تصاویر متحرک را ممکن نموده است. این ویژگی‌های پرشور و نوین اینترنت، به رشد سریع منافع تجاری در بخش‌های گوناگون شبکه منجر گردیده است که در این میان «صنعت سکس» یکی از پیشگامان در استفاده از این ویژه‌گی‌هاست. تبلیغات ویژه تورهای جنسی، فاحشه‌خانه‌ها و استریپ‌بارها (بارهایی که در آن افرادی کاملاً برهنه می‌شوند) به سهولت و بدون کمترین محدودیتی در شبکه اینترنت ارایه می‌گردد. چند مثال را مرور می‌کنیم: اتاق‌های گفت‌وگوی اینترنتی، امروزه به مکانی جهت تبادل اطلاعات در توصیه‌ها برای گردشگری‌های جنسی و یافتن زنان روسپی در کشورهای مختلف تبدیل شده است. اطلاعاتی نظیر چه‌گونه‌گی سفر، قیمت هتل‌ها، شماره تلفون‌ها، کرایه تاکسی‌ها، قیمت مشروبات الکولی، قیمت خدمات جنسی ارایه شده و انواع آن را به راحتی می‌توانید در این اتاق‌ها بیابید. تصاویر مستهجن این سفرها نیز در دسترس همه‌گان است.

در تابستان ۱۹۹۵ یک مرد آمریکایی، برای اولین بار «تورهای جنسی» به مقصد جمهوری دومینیکن را در شبکه اینترنت تبلیغ نمود. این تور ۴ روزه با همراهی یک راهنما جهت ارایه اطلاعات کاربردی در مورد چه‌گونه‌گی یافتن و ارتباط با زنان روسپی و همچنین یافتن گروه‌های عیاشی ارایه می‌شد. این تورها با سکس دهانی توسط یک زن جذاب که از سوی راهنمای تور انتخاب می‌شد، همراه بود و یا در تبلیغات مربوط به «تعطیلات جنسی» در کاستاریکا که با ارایه راهنمای گردشگری (زنان روسپی بومی) همراه بود، با طولانی شدن زمان تور امکان تعویض راهنماها نیز ممکن بود. شوهای مبتذل سکسی نیز در تایلند به یکی از بخش‌های مهم گردشگری تبلیغ شده در اینترنت بدل شده است. از تصاویر زنان کاملاً عریان نیز در این تبلیغات استفاده می‌شود.

در یکی از تبلیغات مربوط به سفر به فیلیپین، که با ارایه تصویر یک زن همراه است، وی از شما دعوت می‌کند که جهت دیدن فیلیپین با وی همراه شوید! در این

تبلیغات از آن کشور به عنوان مکانی جذاب و هیجان‌انگیز نام برده شده است. در این تبلیغات به اختصار به وجود زنان روسپی در همه جای کشور و با ارایه لیست قیمت آنان اشاره شده است. به نظر می‌رسد همه حرف‌ها پیرامون عشق و زناشویی دور می‌زند. در تبلیغاتی دیگر، ارایه یک راهنمای مؤنث اختصاصی جهت این تورها تبلیغ شده است. در این تبلیغات اشاره شده که کلیه دستمزدها باید به مدیر تور و نه زن پرداخت گردد، اما پرداخت انعام فراموش نگردد! و یا گفته می‌شود که این زنان به سن، ظاهر و ثروت شما توجهی نخواهند کرد. در تبلیغی دیگر با ارایه لیستی مصور از زنان مختلف، آدرس‌های آنان به خریداران فروخته می‌شود. همه این

شهرهای خارجی، مردان امکان همه نوع سوءاستفاده و بدرفتاری با زنان و دختران را به روش‌هایی که در کشورهای خودشان بسیار خطرناک و یا پردردسر است، خواهند داشت. برای تعدادی از مردان، جذابیت بانکوک به دلیل وجود دختران بسیار جوان و روش‌های شبیه به برده‌داری در آن است. در تبلیغات اینترنتی سفر به بانکوک، به رضایت مردانی که پیش از این به تایلند سفر کرده‌اند، اشاره شده است. نیروهای پرقدردت تبعیض نژادی، آزار زنان، تسلط کشورهای قدرتمند و استعمار اقتصادی در فروش زنان جذاب و شهوانی متحد گردیده‌اند. اکثر مکان‌های توریسم جنسی در نیم‌کره جنوبی نظیر تایلند و فیلیپین سال‌های آغاز فعالیت خود را با تقاضای مربوط به زنان روسپی توسط



اکثر مکان‌های توریسم جنسی در نیم‌کره جنوبی نظیر تایلند و فیلیپین سال‌های آغاز فعالیت خود را با تقاضای مربوط به زنان روسپی توسط نظامیان آمریکایی آغاز نموده است و با ترک ارتش آمریکا، دلانان محبت (قوادان) و کارگزاران فعال در این صنعت، بازار جدیدی را برای زنان تایلندی و فیلیپینی جهت تورهای جنسی به مقاصد جاپان و اروپا پیدا کرده‌اند. سود فزاینده این تورها نصیب شرکت‌های فراملیتی، خطوط هوایی، هتل‌ها و رستوران‌ها می‌گردد

تبلیغات برای سودآوری فاحشه‌خانه‌ها و هتل‌ها و مشروبات فروشی‌ها نیز مفید خواهند بود. در سفارشات اینترنتی دختران برخلاف آنچه که به عنوان یافتن همسر در کشورهای دیگر تعبیر می‌شود، اکثر مردان پس از سفر به آن کشورها و ازدواج با آن دختران، آنان را ترک می‌کنند. در گردشگری جنسی و سفر به مکان‌های هیجان‌انگیز، افراد محدودیت‌های موجود در منازل خود را نخواهند داشت. در

نظامیان آمریکایی آغاز نموده است و با ترک ارتش آمریکا، دلانان محبت (قوادان) و کارگزاران فعال در این صنعت، بازار جدیدی را برای زنان تایلندی و فیلیپینی جهت تورهای جنسی به مقاصد جاپان و اروپا پیدا کرده‌اند. سود فزاینده این تورها نصیب شرکت‌های فراملیتی، خطوط هوایی، هتل‌ها و رستوران‌ها می‌گردد.



بخش سوم و پایانی

کار یا سوهان روح؟

برای تغییر تلاش کنید

همسر شما نیاز دارد تا تغییراتی در وضعیت کاری‌اش ایجاد کند. این تغییرات ممکن است متفاوت باشند. شاید او باید دنبال یک شغل جدید باشد. یا تغییراتی اصلاحی در رفتارش بدهد و نگرشش را تغییر بدهد. اگر همسران به‌خاطر نوع کارش ناراحت است، تشویقش کنید که به دنبال شغل دیگری باشد. اما پیدا کردن یک شغل جدید، کار ساده‌یی نیست. ممکن است بارها و بارها پیشنهادهای کاری رد شوند. در این وضعیت، ناامیدی همسران بیشتر می‌شود. از یک طرف، از شغل فعلی‌اش ناراضی است و از سوی دیگر، برای کار جدید تأیید نمی‌شود؛ بنابراین هم‌چنان این شما هستید که باید نقش حمایت‌گری را ایفا کنید و انگیزه بدهید.

عصبانی نشوید و نادیده بگیرید

همان‌طور که توقع دارید همسران حمایت‌ها و مراقبت‌های‌تان را بپذیرد، او هم از شما می‌خواهد ناراحتی‌ها، عصبانیت‌ها و افسرده‌گی‌هایش را فراموش کنید و مدام بر روی آن‌ها تأکید نکنید. شما حق دارید از رفتار همسران ناراحت شوید و بخواهید یک رابطه شاد و بدون استرس داشته باشید. اما اکنون درک کنید که همسران وضعیت مناسبی ندارد و حتی اگر کمک‌ها و حمایت‌های‌تان را به‌راحتی نپذیرفت، خودتان را کنترل کنید. بهترین راه، گفت‌وگو است. او را از شرایط و احساسات‌تان آگاه کنید و در عین حال، شخصیت حمایت‌گرتان را حفظ کنید.

خودخواه نباشید

اگر همسران ناراضی‌تی در کارش را با روشی مثبت مدیریت می‌کند، دیگر نیاز نیست که به دنبال تغییر شغل برای همسران باشید. فقط تغییراتی کوچک ایجاد کنید. مثلاً اگر همسران معلم مکتب است و این کار را دوست دارد، شاید لازم باشد که فقط مکتب را تغییر بدهد، نه این‌که دنبال یک کار جدید یا حرفه دیگر باشد.

مثلاً ممکن است ناراضی‌تی همسران این باشد که محل کارش از مکتب یا کودکستان و یا خانه دور است. در این صورت فقط کافی‌ست شرایط را بهتر کنید. بدون شک هر تغییری می‌تواند مشکلات جدیدی در زندگی‌تان ایجاد کند. بنابراین باید تصمیم بگیرید که آیا این تغییرات به نفع شماست و یا باعث مشکلات دیگری می‌شود.

بیباید و یک وضعیت متفاوت را فرض کنید. همسران در تمام زندگی‌اش برای رسیدن به موقعیت مالی خوب کار کرده است، اما هرگز از کاری که انجام داده راضی و خوشحال نبوده، ولی با این حال رفاه شما و فرزندان‌تان را تأمین کرده است. اکنون فرزندان‌تان بزرگ شده‌اند و موقعیت مالی شما ایده‌آل است، اما همسران هنوز از کارش راضی نیست. او بالاخره تصمیمش را گرفته و می‌خواهد به رویایش برسد، ولی کار مورد علاقه همسران درآمد زیادی ندارد و ممکن است زندگی‌تان به یک‌باره تغییر کند.

مسلم است در شرایطی که شما با معاش بالا زندگی کرده‌اید، پذیرش این تغییر بزرگ کار بسیار سختی است. اما اگر همسران سال‌ها با وجود بی‌علاقه‌گی و ناراضی‌تی از کارش فقط برای بهبود اوضاع مالی خانواده تلاش کرده باشد، آیا حق ندارد بعد از این، کار دل‌خواهش را انجام بدهد؟ آیا شما نیز می‌توانید از خواسته‌های‌تان چشم‌پوشید و اجازه بدهید همسران به رضایت از کار برسد؟

تغییر شغل بدون شک تاثیر زیادی در زندگی شما خواهد گذاشت. ممکن است درآمد شما بیشتر یا کمتر شود. یا شاید در برنامه‌های زندگی تغییر ایجاد کند. حتی ممکن است باعث جابه‌جایی و تغییر مکان زندگی‌تان شود. هر کدام از این تغییرات می‌تواند برای شما قابل درک و یا غیرقابل پذیرش باشند. با همسران درباره تاثیر این تغییرات بر زندگی فردی و خانواده‌گی‌تان حرف بزنید. هر تغییر شغلی باید با هماهنگی و رضایت شما و همسران باشد و گفت‌وگو تنها راه رسیدن به یک توافق مطلوب است. هر دوی شما باید واقع‌بین باشید. ممکن است این تغییرات واقعاً به نفع زندگی باشند و هر دو خوشحال و راضی شوید؛ پس ترس را کنار بگذارید و رویاهای‌تان را دنبال کنید.

رابطه یعنی توافق و سازش. با صبوری، درک متقابل و واقع‌گرایی نسبت به خواسته‌های خود و همسران، تغییرات را بسازید. در یک رابطه سالم همیشه می‌توانید به یکدیگر کمک کنید تا به رضایت و آرامش از زندگی شخصی‌تان برسید.

مسعود حسن زاده

به تازگی، هنرمند مشهور افغانستان فرهاد دریا، در نیشته‌یی شتاب‌زده، به بررسی وضعیت موسیقی طی ده سال گذشته در افغانستان پرداخته است. نیشته‌یی که به خیال من، حاصل مراجعه از نوع ژورنالیستیک و بی‌پرسش به «وضعیت» است. و هم نگاهی بیرونی و ماهوی دارد به موسیقی افغانستان. اما بدیهی ست که نوشته ایشان به برخی نقایص محرز این وضعیت می‌پردازد و تلاش می‌کند سبب‌ها و چه‌گونه‌گی پدید آمدن چنین وضعیتی را جست‌وجو کند. اما نوشته حاضر، صرفاً در پی ارایه پاسخ به برخی ابهامات، کمبودها و اشتباهات نوشته ایشان نیست؛ بلکه تلاش می‌کند فراتر از این، به ترسیم مواضع نسل جدید موسیقی در افغانستان بپردازد، چون مخاطب خاص ایشان در آن نوشته، طیف وسیعی از نوگراها و تجدیدنظرطلبان در موسیقی افغانستان است. در عین زمان، این نوشته تلاش می‌کند تا کروی دقیق‌تری از وضعیت نیز ترسیم کند.

قبل از موسیقی زیرزمینی، موسیقی سرزمینی

نخست باید از نام‌گذاری‌ها آغاز کرد. نام نهادن، یکی از موثرترین شیوه‌ها برای تعیین کردن است و همواره بخش اعظم محتوای «نام نهاده شده» را نام آن تعیین می‌کند. و ما معمولاً آسان از کنار این «تعیین‌گری» می‌گذریم. وقتی می‌گویند «موسیقی افغانی»، دقیقاً چه چیزی را نام‌گذاری کرده‌اند؟ این ترکیب دو کلمه‌یی سهل و ظاهراً موجه، حاصل کدام بازی زبانی است و معطوف به کدام قدرت تعیین‌کننده؟

ترکیب «موسیقی افغانی» برخلاف ظاهر سهل و موجه‌اش، موضوع مجادله‌های فراوان و پرسش‌های بی‌پاسخ بی‌شماری ست. هم از لحاظ روش‌شناسی در موسیقی که بیشتر تمایل به دسته‌بندی سبکی دارد تا هر نوع تقسیم‌بندی اتنیکی، و هم از دید تاریخی، ترکیب «موسیقی افغانی» دچار چالش و بحران است، چون این «تعیین‌گری» تلاش می‌کند طیف وسیع و متنوعی از سنت‌های موسیقایی را تحت نامی واحد قرار دهد- که نمی‌تواند و ممکن نیست.

افغانستان، سنت‌های موسیقایی متنوع و گاه متناقضی دارد که با شمار زیادی از کشورهای هم‌جوار و گاه حتا دور، مشترک است. اما شاید منظور از موسیقی افغانی، میراث استادان هندی دربار امیرشیرعلی‌خان باشد که به مرور زمان با شماری از سنت‌های موسیقایی بومی مخلوط شد و گونه‌یی دیگر به‌وجود آورد. در این صورت هم، این «تعیین‌گری» اشتباه است. این نام‌گذاری اما بیشتر نوعی «تعیین‌گری» سیاسی ست و در راستای یک استراتژی تاریخی دیرینه، استراتژی‌یی که به عنوان یک نسخه سیاسی برای بحران هویت این سرزمین، از تمام اقلیت‌های فرهنگی، زبانی، مذهبی و قومی می‌خواهد تا تمام پیشینه تاریخی و فرهنگی خود را واگذاشته و حول محور نام یک قوم به توافق رسیده و آن نام را پاسخی بسازند برای مشکل هویت این سرزمین.

با این استدلال، این تعیین‌گری چیزی بیش از دلالتی سیاسی و استراتژیکی نیست. چون چیزی به نام «موسیقی افغانی»، واقعیت و امکان ندارد. در بحث موسیقی ملل یا موسیقی سرزمینی، که تقسیم‌بندی‌یی تاریخی معطوف به مقوله ملت است، برای نسبت دادن ژانر خاص هنری به سرزمینی خاص، نخست باید مقوله ملت وجود داشته باشد و در مورد سایر مولفه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن نیز توافق عمومی به وجود بیاید. چیزی که در جغرافیای سیاسی‌یی به نام افغانستان وجود ندارد.

موسیقی بومی، تعامل یا عقب‌نشینی؟

آنچه در سطح و در فضاهای رسمی و کمتر آکادمیک از چندین دهه بدین سو به نام موسیقی افغانی (از هر نوعش) در افغانستان تکریم و تجلیل و شنیده و دیده می‌شود، حرام‌زاده‌یی ست ترکیبی که خون چندین پدر در رگ‌هایش جاری ست. به همین دلیل، هر نوع دیدگاه اصالت‌طلبانه و بنیادگرایانه معطوف به نام‌نگاشت‌هایی از این دست دچار سوءتفاهم هستند. موسیقی در افغانستان دهه‌هاست در مواجهه قرار دارد؛ مواجهه‌یی که به تعامل دعوت می‌کند و گاه چون آن‌چه وارد شده است، در موضع قدرت قرار دارد، تهدید به مرگ آتی یا تدریجی می‌کند.

این مواجهه گاه به تهاجم می‌انجامد.

ورود استادان موسیقی هندی در سال ۱۸۹۷ میلادی در زمان امیرشیرعلی‌خان و حمایت دربار از آن موسیقی در حقیقت، آغاز فصل تهاجم علیه موسیقی بومی این خطه بود. موسیقی‌یی که در جغرافیای افغانستان محصور نبود. آن موسیقی از موضع قدرت ترویج شد و با حمایت شاه و دربار، اشرافیته غریب به موسیقی به‌وجود آورد که نتیجه‌اش گرفتن تربیون‌های رسمی و امکانات رشد و تحول بود. از آن زمان به بعد، فراخور اوضاع سیاسی و اجتماعی، موسیقی افغانستان در مواجهه بوده، و به تدریج تن به تعامل و گاه عقب‌نشینی داده است.

سبب‌های عقب‌نشینی موسیقی بومی، نیاز به یک بررسی عمیق جامعه‌شناختی دارد که در حوصله این نوشتار نمی‌گنجد، اما حافظه تاریخی ما دلایل تعامل موسیقی بومی با آن‌چه بر او وارد شده است را خوب به‌خاطر می‌آورد. بخشی از این تعامل، حاصل روند طبیعی جوامع است، دوره‌های تاریخی مختلف، نیازمندی‌های مختلفی را هم تولید و بازتولید می‌کنند که شکل‌ها و قالب‌های کهنه ناگزیر از تعامل با نیازمندی‌های تازه هستند. اما بخش دیگر و ویژه‌ترین تعامل سنت‌های موسیقایی افغانستان حداقل در تاریخ معاصر یعنی ۵۰ سال گذشته، با دگرگونی وضعیت کل جهان نیز ارتباط تنگاتنگ دارد.

جهان بعد از دو جنگ جهانی، وارد یک مرحله تازه و پرشتاب شد. هرچند سهم جغرافیای سیاسی به نام افغانستان در تولید و حتا بهره‌مندی از این شتاب‌اندک و ناچیز بود، اما با آن‌هم این شتاب شکل زنده‌گی و باورها را تغییر داد و به تبع آن، ضرورت‌های تازه‌یی را نیز به‌وجود آورد. به همین دلیل،

جیغ‌ها رنگ ندارند

همه قرمز اند!



برای بهتر دیدن این موسیقی، شماری از ادعاهای واهی و کج‌بینی‌ها و عقده‌ها را باید عقب زد و به مطالعه بدون تعصب در مورد آن پرداخت.

اکثر ادوره طالبان را دوره سکوت در موسیقی افغانستان می‌نامند، در حالی که چنین نبود. شمار زیادی از جوانان حتا در همان خفقان، مشغول فراگیری به گونه خودآموز، ایجاد و بی‌ریزی حرفی تازه در موسیقی افغانستان بودند. «گروه مورچه‌ها» که در سال ۲۰۰۵ برای نخستین بار در افغانستان موسیقی راک تولید کرد، حاصل بیش از ۱۰ سال کار و فراگیری و آزمون و خطا توسط چند جوان بود که همه زیر خفقان طالبان و با بازی کردن با جان‌های‌شان و در چمبره فقر و ناداری، می‌آموختند و ایجاد می‌کردند. سایر تحرکات در حوزه موسیقی آلترناتیو افغانستان نیز محصول سال‌ها کار و تجربه‌اندوزی و آزمون و خطا بوده است. بدیهی ست که این موسیقی هنوز در ابتدای راه قرار دارد.

کج‌فهمی دیگری را که باید کنار زد، طرح موضوع انحرافی «موسیقی زیرزمینی» ست. هیچ‌یک از دست‌اندرکاران موسیقی آلترناتیو افغانستان، تا حال محصول کار خویش را «موسیقی زیرزمینی» خطاب نکرده‌اند. در قوانین افغانستان هم حداقل بر روی کاغذ، هیچ محدودیت و ممنوعیتی برای بروز و حضور موسیقی آلترناتیو وجود ندارد. اطلاق این ترکیب (موسیقی زیرزمینی) بیشتر با هدف پرورش شک و تیوری توطیه در اذهان عامه و ایجاد بدبینی صورت می‌گیرد و در ادامه همان مقوله «تعیین‌گری» مطرح می‌شود. این موسیقی نه تنها طی این سال‌ها زیر زمین نبوده است، که کم‌کم و به تدریج سنگرهای پوشالی موسیقی رسمی، موسیقی پروژه‌یی و موسیقی رسانه‌یی را افشا و از بین برده و تربیون‌های خاص خود را نیز ایجاد کرده است. گروه مورچه‌ها طی دو سال گذشته، بیشتر از ۲۵ کنسرت اجرا کرده است که همه به روش همکاری متقابل و بدون هزینه و پورپوزل و تمویل‌کننده برگزار شده‌اند. سایر گروه‌ها و دست‌اندرکاران موسیقی آلترناتیو نیز همین وضعیت را دارند و به تدریج مخاطبین جدی موسیقی را متوجه زمزمه‌های تغییر در موسیقی افغانستان کرده‌اند. مجله مشهور

برای داوری و «تعیین‌گری» در مورد هر مقوله‌یی، نخست باید با جهان‌بینی و خاستگاه آن پدیده آشنایی و همچنین از نزدیک و به‌طور

ملموس با آن رابطه متقابل داشت؛ رابطه‌یی پویا و به‌دور از تعصب. شرایط حاضر افغانستان به هیچ‌وجه شباهتی با دهه شصت

ندارد. اگر در آن‌زمان کمیسیون‌یی برای سانسور و تعیین حدود و ثغور حرکت‌های جدید وجود داشت، امروز نیز موجودیت چنین

سازوکاری، به‌شدت مضحک، بی‌ربط و به‌دور از واقعیت جامعه افغانی ست. حالا هیچ سازمانه و سیستمی، این جیغ‌ها را متوقف کرده

نمی‌تواند. این جیغ‌ها، جیغ‌های عبث و بی‌زمینه و بی‌پشتوانه نیستند. این جیغ‌ها حاصل همین «وضعیت قرمز» هستند. به همین دلیل،

بی‌رنگ و قرمز اند

چندصد هزار دالری به‌راه افتاد. مبلغ پورپوزل‌ها کار را به جایی کشاند که نام‌ترین نقاط افغانستان نیز تماشاگر این نوع تازه موسیقی (موسیقی پروژه‌یی) شدند. موسیقی‌یی که وضعیت را تأیید می‌کند و با عبارات و توصیف‌های مدیریت شده و پُرچلا، تلاش می‌کند آن شادی پیش‌کشی را در رگ‌های میلیون‌ها انسان کارد به استخوان رسیده و غارت‌شده به‌وسیله حاکمان، تزریق کند و نوعی قناعت‌کننده را ترویج نماید. موسیقی‌یی که از مردم دعوت می‌کند در مقابل حیف‌ومیل و غارت میلیون‌ها دالر پول اهدا شده توسط گروهی از حاکمان و زورگیران، خویشتن‌داری کنند و سرگرم پروژه وحدت ملی باشند و سفیهانه لبخند بززند و به عطیه‌یی به نام صلح بیاندیشند که قرار است غربی‌ها برای‌شان تحفه دهند. اما در ماهیت و در نهایت، میلیون‌ها دالری که در این راه مصرف شد، صرف نوعی دهن‌کجی به طالبان بود و نمایش زورآزمایی دونرها با آنان، و هیچ ثمره دیگری نداشت. اما شماری اندک از زرنگ‌ترین‌ها، پول‌های کلان به جیب زدند و در لایه‌های سطحی مخاطبین، به فوق ستاره‌های پُرچلا اما مشکوک بدل شدند.

۳- موسیقی‌یی که عقب‌نشینی کرده است

بازتولید آثار فولکلور و بومی به وسیله موسیقی رسانه‌یی، موسیقی بومی را مجبور به عقب‌نشینی کرد. بخش اعظم ترانه‌هایی که طی این ده سال تولید و نشر مکرر شده‌اند، یا ترانه‌های فولکلور هستند و یا به نوعی وام‌گرفته از سنت‌های موسیقی بومی افغانستان. اما این فقط موسیقی بومی نبود که عقب‌نشینی کرد. موسیقی خراباتی نیز تمام‌وکمال فضا را در اختیار موسیقی رسانه‌یی گذاشت و خود به تلنگرهای خفیف و متناوب و کمیاب مبدل گشت.

۴- مواضع آن قیل پنهان در اتاق / موسیقی آلترناتیو

حالا این فضای به ظاهر پلورال می‌بایست بر اساس قوانین طبیعی، ضد خود را نیز در بطن خود پروراند باشد. باید نوعی «دیگری» نیز نطفه بسته و متولد شده باشد. «دیگری» که از این‌همه همه‌مهمه و خوش‌خیالی و مصادره عبور کند و به طور کامل، صورت مسأله‌یی تازه بنویسد. این «دیگری» اما نمی‌تواند آنی و سفارشی و سطحی باشد، چون قرار است در برابر کل وضعیت بایستد و سوال طرح کند و به چالش بکشد. چه چیزی مصادره شده است و چرا؟ چه چیزهایی پنهان شده‌اند؟ کجاها ماست‌مالی شده‌اند؟ و حتا عمیق‌تر: موسیقی ما چه کرده است و چه می‌کند؟

این «دیگری» ناگزیر باید انرژی‌های مخالف را از درون خود این فرهنگ استخراج کرده و به نیرویی عظیم برای مقابله مبدل کند. موسیقی الترناتیو افغانستان، نه بسته سفارشی غربی‌ها و نه بازتولید تجربه‌های ایرانی‌ها و پاکستانی‌ها و هندی‌هاست. موسیقی الترناتیو افغانستان برخلاف تصویری که آگاهانه دامن زده می‌شود، محصول خفقان دوره طالبان و حاصل نوعی آگاهی بالقوه از ضرورت تحول موسیقی در افغانستان است.

و حرفه‌یی موسیقی «رولینگ استون» گروه موسیقی مثال افغانی (منطقه ناشناخته) را نماینده فرهنگ مخالف مطرح کرده است. گروه ایندی راک «رویاهای کابل»، شناخته‌ترین گروه موسیقی افغانستان بعد از تحولات اخیر در جهان است. گروه هارد راک «صفحه سفید» با نوآوری‌هایش اکنون گروهی شناخته شده در میان طیف وسیعی از مخاطبین جدی موسیقی ست و گروه «مورچه‌ها» در آن نخستین گروه موسیقی راک و بلوز در افغانستان نیز می‌باشد، در شناساندن کارکرد اجتماعی و اعتراضی موسیقی در افغانستان، موفقیت‌های بی‌سابقه‌یی داشته است، ده‌ها رپ‌خوان جوان و پُرانرژی در گوشه گوشه افغانستان، فرهنگ آلترناتیو و «دیگربودگی» را وسعت می‌دهند و سهم ویژه‌یی در باطل کردن تصورات مرکزگرایانه و تنگ‌نظرانه دارند.

حالا بدیهی ست که تیکه‌داران فضای رسمی موسیقی، این زمزمه تغییر را برنابند و در صدد بایکات، تحریف و مصادره آن برآیند و برای حفظ تربیون‌های‌شان از افشا شدن و از بین رفتن، به فکر مدیریت فضای موسیقی و افکار عامه شوند. اما پیشنهاد موسیقی الترناتیو به ایشان این است که برگردند به تجربه‌یی مشابه که در دهه شصت اتفاق افتاد؛ زمانی که نسلی تازه با نیازمندی‌های موسیقایی تازه، اقدام به ایجاد و خلق آثاری کرد که از دید اصحاب موسیقی رسمی، یک‌سره بی‌ربط و سطحی می‌نمود. ظاهر هویدا، ناشناس و خیلی‌های دیگر با بزرگواری و بی‌سویی وسیع اجازه دادند تا فضا برای این نسل باز شود و در مواردی حتا مساعدت‌های درخور نیز کردند. آن‌ها در آن زمان با بیش و بسویی که داشتند، دریافتند که این نوع موسیقی با تمام کاستی‌ها و بحران‌هایش، برآیند سبک زنده‌گی تازه و پاسخ نیازمندی‌های عصری ست که آن‌ها با آن فاصله دارند. آنان به دنبال تیکه‌داری و پدرخوانده‌گی موسیقی افغانستان نبودند و خاک به چشم علاقه‌مندان و مخاطبین‌شان نزدند و هرگز با طرح موضوعات انحرافی و مقولاتی من‌درآوردی، فضا را آشفته‌تر نکردند. در فقر و تنگ‌دستی زیستند و خلق کردند و به همین دلیل جاودانه شدند.

و سخن آخر این‌که: برای داوری و «تعیین‌گری» در مورد هر مقوله‌یی، نخست باید با جهان‌بینی و خاستگاه آن پدیده آشنایی و هم‌چنین از نزدیک و به‌طور ملموس با آن رابطه متقابل داشت؛ رابطه‌یی پویا و به‌دور از تعصب. شرایط حاضر افغانستان به هیچ‌وجه شباهتی با دهه شصت ندارد. اگر در آن‌زمان کمیسیون‌یی برای سانسور و تعیین حدود و ثغور حرکت‌های جدید وجود داشت، امروز نیز موجودیت چنین سازوکاری، به‌شدت مضحک، بی‌ربط و به‌دور از واقعیت جامعه افغانی ست. حالا هیچ سازمانه و سیستمی، این جیغ‌ها را متوقف کرده نمی‌تواند. این جیغ‌ها، جیغ‌های عبث و بی‌زمینه و بی‌پشتوانه نیستند. این جیغ‌ها حاصل همین «وضعیت قرمز» هستند. به همین دلیل، بی‌رنگ و قرمز آند.



استخبارات بریتانیا هم به کرزی پول داده است!

پس از افشای سرازیر شدن پول‌های گراف از سوی ادارهٔ استخبارات امریکا به دفتر حامد کرزی، این بار از سرازیر شدن میلیون‌ها دالر دیگر توسط استخبارات انگلستان به رییس‌جمهور کرزی خبر داده می‌شود.

روز گذشته روزنامهٔ گاردین گزارش داد که در ده سال گذشته، استخبارات بریتانیا پول‌های زیادی را به رییس‌جمهور کرزی به شکل پنهانی داده است. اما مقدار این پول کمتر از پولی بوده که استخبارات امریکا به حامد کرزی پرداخته است.

استخبارات بریتانیا گفته است که این پول به هدف نشست کرزی با طالبان به مصرف رسیده است. روزنامهٔ گاردین به عنوان شاهد از موردی نام برده است که یک دوکان‌دار فریب‌کار شهر کوئتهٔ پاکستان به عنوان یکی از رهبران طالبان با کرزی در ارگ ریاست‌جمهوری دیدار کرده و مقداری از آن پول‌ها را با خود برده است.

افشای این گونه پول گرفتن‌های پنهانی آقای کرزی از استخبارات کشورهای امریکا و بریتانیا، نقش او را در روند فساد به گونهٔ آشکاری نشان می‌دهد.

دیروز آقای کرزی تأیید کرد که از پول‌هایی که توسط استخبارات امریکا به ارگ ریاست‌جمهوری فرستاده شده، در امور کاری استفاده کرده و هم‌چنان گفته بود که این پول‌ها به آدرس دفتر شورای امنیت کشور می‌رسیده است.

اما دکتر اسپتتا مشاور امنیت ملی کشور ضمن رد این موضوع، گفته است که هیچ‌گاه از فرستادن چنین پولی به دفترش خبر نداشته است.

انتشار کتاب‌های دانشگاهی...

که با درنظرداشت همین ضرورت قصد دارند گامی هرچند اولیه برای پرکردن خلا موجود در عرصه تامین منابع درسی و کمک درسی دانشگاهی در افغانستان بردارند.

دکتر محمد سرور مولایی که سالها تجربه استادی در دانشگاه‌های مختلف در ایران و افغانستان را دارد، شکل‌گیری این نهاد را در افغانستان، مایه امیدواری می‌خواند.

آقای مولایی می‌گوید که برخی کتاب‌های منتشر شده با وجود رعایت معیارهای علمی و تحقیقی، نیازمند تغییراتی هستند تا ساختار ویژه کتاب درسی را پیدا کنند. او معتقد است که نباید هیچ‌گونه تساهل را درباره ساختار علمی و آرایش کتاب‌های درسی دانشگاهی پذیرفت و با شتابزدگی از معیارهای تدوین منابع درسی چشم‌پوشی کرد. از همین رو کار در این عرصه را باید به متخصصان آموزشی سپرد.

عبدالرزاق وحیدی استاد دانشگاه کابل تدوین کتاب‌های درسی و کمک درسی را در افغانستان کاری دشوار، هم به لحاظ نبود تجربه در این عرصه و هم از نظر کمبود منابع، می‌داند. او معتقد است که نویسندگان و مترجمان باید به ویژگی‌های لازم برای تولید و تدوین کتاب‌های درسی دانشگاهی توجه داشته باشند.

ویژگی‌های آثار جدید

انتشار این مجموعه کتاب‌های دانشگاهی نشان از توجهی تازه به عرصه تحقیق و پژوهش علمی در افغانستان دارد. تلاش نویسندگان، مترجمان و ویراستاران مجموعه

عبدالحفیظ منصور عضو مجلس نماینده‌گان در این باره به روزنامهٔ ماندگار گفت: «رییس‌جمهور به‌خاطر اخذ پول‌های غیر قانونی، قابل محاکمه است و باید به دادگاه کشانده شود.»

او هم‌چنان گفت که کشورهایی که به گونهٔ غیرمجاز به رییس‌جمهور پول داده‌اند، باید به مردم افغانستان و جهان پاسخ‌گو باشند.

منصور گفت که افغانستان دارای قانون و نهادهای مشخص در هر زمینه است. هر کشوری که کمکی به افغانستان می‌کند، باید از مجراهای معلوم و قانونی آن وارد شود، نه از مجرای یک شخص آن‌هم به شکل پنهانی.

این عضو مجلس نماینده‌گان گفت: افشای پول‌گیری‌های آقای کرزی از استخبارات امریکا و انگلستان و در گذشته از ایران، نشان می‌دهد که فساد در افغانستان در خود ارگ ریاست‌جمهوری و شخص کرزی متمرکز شده است.

او خطاب به رییس‌جمهور گفت: «آیا رییس‌جمهور فکر کرده است؛ وقتی که خودش ده‌ها میلیون دالر را به شکل غیرقانونی از کشورهای مختلف گرفته، وزیران و وکیلان او چه‌طور لک‌ها دالر را از مجراهای مختلف به جیب نزنند؟!»

منصور گفت: دیگر ثابت شده که آقای کرزی خودش بانی و آغازگر فساد در ارگ ریاست‌جمهوری‌ست. این نمایندهٔ مجلس با تأکید گفت که مردم افغانستان شاهد باشند که بارها برادر آقای کرزی به فساد متهم شد، اما برگ از درخت نجیبید؛ اما این بار خود او به

اخیر این بوده که منابعی فشرده با زبانی علمی و در عین حال روان عرضه شود.

کوشش برای ویرایش حرفه‌ای این آثار، آنها را از نوع کتاب‌هایی که در افغانستان منتشر می‌شود، متمایز ساخته زیرا در این کشور آشنایی چندانی با پدیده ویرایش وجود ندارد و اغلب آثار بدون این که از نظر ادبی و فنی پیراسته شوند، به دست نشر سپرده می‌شوند.

ویرایش این آثار بر اساس شیوه‌های ادبی و نگارشی جدید به پیراستگی زبانی آنها و رسایی در انتقال مفاهیم کمک کرده است.

طراحی حرفه‌ای جلد، توسط محسن حسینی، از دیگر ویژگی‌های بارز این مجموعه است که آنها را از نوع کتاب‌های منتشر شده در افغانستان متفاوت می‌سازد.

کیفیت مطلوب چاپ، صفحه‌آرایی و صحافی از دیگر خصوصیات این سری کتاب‌ها است. فشرده تاریخ افغانستان، نوشته دکتر فاروق انصاری؛ این اثر نگاهی اجمالی به تاریخ افغانستان از دوران تمدنهای باستان تا امروز داشته، اما تمرکز آن بر تاریخ معاصر این کشور بوده است.

مؤلف کتاب دکترای خود را در عرصه تاریخ افغانستان دریافت کرده و به تاریخ‌نویسی به شیوه علمی وقوف دارد.

آقای انصاری علاوه بر این کتاب، آثار دیگری نیز درباره تاریخ افغانستان ارائه کرده و به تحولات تاریخی سده‌های گذشته در این کشور اشراف دارد. «فشرده تاریخ افغانستان» پیش از این نیز منتشر شده و مورد استقبال دانشگاهیان قرار گرفته، اما اثر حاضر رویدادهای پس از سال ۱۳۸۷ خورشیدی و کودتای نیروهای چپ را نیز در بر می‌گیرد. این اثر برخلاف چاپ پیشین به صورت حرفه‌ای ویرایش شده و این

حکومت اقدامی برای...

شماره از فعالان فرهنگی و نهادهای جامعه مدنی در ولایت هرات، عدم آگاهی مردم از قانون منع خشونت علیه زنان را عامل اصلی وقوع این رویدادها می‌دانند. به باور آنان نهادهای مسوول دولتی باید بیشتر در این زمینه کار کنند.

خبرگزاری بخدی

بزرگ‌ترین فساد مالی متهم شده است. منصور هم‌چنان گفت که پول گرفتن‌های پنهانی آقای کرزی، جریان‌های سیاسی و احزاب سیاسی را نیز تحریک خواهد کرد که به هر دری رفته و برای ادامهٔ حیات سیاسی‌شان پول‌هایی را به شکل پنهانی به‌دست آورند.

در همین حال، مجلس سنا روز گذشته از پرداخت پول سازمان اطلاعات امریکا (سی.آی.ای) به رییس‌جمهور کرزی، انتقاد کرد و از دادگاه عالی کشور خواست که این مسأله را مورد پیگرد قرار دهد.

سید فرخ‌شاه جناب، منشی مجلس سنا، دادوگرفت پول‌های این‌چنینی را خلاف قانون اساسی خواند و گفت که همهٔ این موارد باید از قبل برای مردم مشخص می‌شد.

شماره از اعضای مشرانو جرگه در جلسهٔ عمومی، از پرداخت پول سازمان استخباراتی امریکا به رییس‌جمهور کرزی، انتقاد کردند و از دادگاه عالی کشور خواستند که این موضوع را مورد پیگرد قرار دهد.

علی اکبر جمشیدی، از سناتوران مشرانو جرگه گفت: «افغانستان قانون اساسی دارد و فرد اول کشور باید قانون را مراعات کند.»

این سناتور می‌گوید که این‌گونه معامله‌ها، به حاکمیت ملی افغانستان صدمه می‌رساند.

او هم‌چنان از محکمه و کمیسیون نظارت بر قانون اساسی کشور خواست که این قضیه را جدی و همه‌جانبه بررسی کنند.

امر به سلاست و شیوایی متن افزوده است. این کتاب، با توجه به میزان بالای نیاز به اثری فشرده در عرصه تاریخ معاصر افغانستان نقش یک کتاب درسی عمومی را برای دانشجویان پیدا کرده است.

مبانی سیاست و حکومت، نوشته ستفن تنسی و نایجل جکسون، ترجمه اسدالله شفاپی؛ این اثر منبعی پرطرفدار برای دروس علوم سیاسی در مقطع لیسانس در بریتانیا بوده است.

نویسندگان، با برخورداری از تجربه طولانی تدریس و پژوهش در مراکز علمی بریتانیا، در این اثر به صورت فشرده به عمده‌ترین مباحث سیاست، نظریه-های سیاسی و مقایسه نظام‌های سیاسی گوناگون در جهان پرداخته‌اند.

ترجمه روان اسدالله شفاپی در انتقال مفاهیم دشوار علمی سیاست به زبانی ساده سبب شده تا این اثر جدای از رفع نیاز دانش‌پژوهان علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، حقوق و رشته‌های مشابه، منبعی سودمند برای تمامی خوانندگان شود که قصد آشنایی با مسایل بنیادین سیاست و حکومت را دارند.

مبانی سازمان و مدیریت، نوشته نبی خلیلی؛ این کتاب برای تمام کسانی که با سازمان و مدیریت سر و کار دارند و به صورت خاص برای دانشجویان دوره لیسانس و کارمندان تدوین شده است.

طرح مباحث کاربردی مدیریت به صورت فشرده و با بیانی روان از ویژگی‌های این اثر است.

برنامه‌ریزی، سازماندهی، مدیریت منابع بشری، هماهنگی و ارتباطات و مدیریت بحران برخی از سرفصل‌های این کتاب را تشکیل می‌دهد.

مبانی سازمان و مدیریت می‌تواند جای خالی یک کتاب فشرده و کاربردی را برای دانشجویان مدیریت به عنوان یکی از رشته‌های پرطرفدار علوم انسانی در افغانستان پر کند.

به دست آوردن پول، به کشورهای

خارج سفر کرده یا با گروه‌های مسلح مخالف دولت یکجا شوند.

آنان هشدار می‌دهند: در صورتی که دولت در سال‌های آینده برنامه‌های مشخصی را به منظور ایجاد زمینه‌های شغلی روی دست نگیرد، کشور با مشکلات جدی روبرو خواهد شد.

د تورخم دروازه...

د ننگرهار یوه خيالي خبريال ميرويس رحمانی ماندگار ورځپاڼې ته وويل، چې د پولې دواړو خواوو ته په سلگونه كسان د لارې د پرانستو په هيله ولاړ دي.

هغه وويل، چې د پولې دواړو خواوو ته د افغانستان او پاكستان ځواكونو تر منځ د لنډې لفظي شخړې له امله د دواړو هېوادونو پوځيان يو بل ته په مورچو كې ناست دي او وضعيت ترينگلي دى.

ښاغلى رحمانى وايي، چې پاكستاني ځواكونو د افغانستان او د افغان ځواكونو د پاكستان يو سرتېرى، چې په تېل ماټېل كې له پولې اوښتي را اوښتي ول، نيولي دي.

ده په اند، په تورخم كې افغانان له گڼو ستونزو سره مخ دي، خلك ناروغان لري، چې وضعيت يې نازك دى او په تورخم كې تر شنه اسمان لاندې پراته دي.

له بلې خوا د سوداگريزو خونو د بهرنيو اړيكو مسوول اذرخش حافظي ماندگار ورځپاڼې ته وويل، چې افغانستان د خوراكي توكيو لپاره د ايران او پاكستان لنډو لارو ته اړتيا لري او د نفتي توكيو لپاره د منځنيو هېوادونو له لارو كار اخلي.

هغه وويل، كه هر هېواد پر افغانستان خپله ترانزيتي لاره بنده كړي، افغانستان له ستونزو سره مخ كولاى شي او پر ماركېټ منفي اغېز كوي.

د ده په وينا، له بده مرغه چې پاكستان تل افغان سوداگرو ته ستونزې جوړوي، كله يې په كراچۍ كې مالونه ايساروي، كله د تورخم، چمن او سپين بولدك لارې پرې بندوي.

ښاغلى حافظي وايي، د افغانستان د بازار پېرودونكي د دغو هېوادونو په ځانگړي ډول د پاكستان توكيو ته اړ دى، او دا چې پاكستان د تورخم دروازه وتړي؛ نو په هېواد كې يې لوړې شي.

د ده په اند، افغانستان نه يوازې دا چې له پاكستانه واردات لري، بلكې صادرات هم له دې لارې نورې نړۍ ته كوي، چې د تورخم د پولې په بندېدو سره به افغان سوداگر هم زيان وويني.

هغه وويل، همدارگه به صادروونكي سوداگر هم په بازار كې خپلې بېې لوړې كړي، چې په دې كار سره ټول زيان عام ولس او پېرودونكيو ته رسېږي.

له دې وړاندې پاكستان ويلي ويل، چې په دغه هېواد كې د ټاكنو پر مهال به د افغانستان او پاكستان تر منځ شته پوله د ترافيكو پر مخ وتړي؛ خو چارواكي وايي، چې اوس د پاكستان ټاكنو ته له لسو زياتي ورځې پاتې دي او پاكستان له وخت وړاندې د تورخم دروازه تړلې ده.

په تورخم كې بند افغانان وايي، كه دغه لاره خلاصه نه شي نو امكان لري، چې ډېر ناروغان پاكستان ته د تگ په تمه په تورخم كې ساه وركړي.

له افغانستانه هره ورځ ډېرې هغه ناروغان چې روغتيايي وضعيت يې نازك وي، د ښې درملنې لپاره له پولې هاخوا روغتونونو ته وړل كېږي، چې د لارې په بندېدو سره له گڼو ستونزو سره مخ وي.

اعلامیه اتحادیه ملی ژورنالیستان...

در گام نخست وظیفهٔ «کمیسیون رسانه‌های همه‌گانی» است و در صورتی که قضیهٔ جنبهٔ جرمی داشته باشد، همین کمیسیون (کمیسیون رسانه‌های همه‌گانی) می‌تواند چنین قضیه‌هایی را به مراجع عدلی و قضایی راجع کند.

در هر دو قضیهٔ مربوط به روزنامه‌های هشت صبح و آرمان ملی، این روند قانونی به انجام نرسیده است و نمی‌توانسته انجام شود؛ چون از نظر قانونی مانع دارد.

وزارت اطلاعات و فرهنگ با وجود گذشت نزدیک به چهار سال از انفاذ قانون رسانه‌های همه‌گانی، هنوز حاضر به تشکیل کمیسیون رسانه‌های همه‌گانی نشده و در واقع، شخص وزیر اطلاعات و فرهنگ، مانع ایجاد این کمیسیون است.

اتحادیهٔ ملی ژورنالیستان افغانستان از لوی سارنوالی کشور جدا تقاضا دارد که:

– هر دو قضیه را از دایرهٔ پیگرد قانونی خارج سازند و از وزارت اطلاعات و فرهنگ بخواهند که در گام نخست این قضایا از سوی کمیسیون رسانه‌های همه‌گانی پیگیری شود. – مسوولان لوی سارنوالی کشور نباید اجازه دهند که روند پیگیری قانونی این قضایا، زیر اعمال نفوذ و فشار مقامات حکومتی قرار گیرد.

– دوسیه‌های مورد نظر روزنامه‌های آرمان ملی و هشت صبح را حفظ کنند.

اتحادیهٔ ملی ژورنالیستان افغانستان هم‌چنان از شورای ملی و ریاست‌جمهوری کشور می‌طلبد که جلو خودسری‌ها و بی‌قانونی‌های وزارت اطلاعات و فرهنگ را گرفته و به مسوولان لوی سارنوالی، هدایت بدهند که از پیگیری این دو قضیه، خود داری نمایند.

شورای اجرائیهٔ اتحادیهٔ ملی ژورنالیستان افغانستان



وحد مژده تحلیل گر مسایل سیاسی:

بدون یک اجندای ملی نمی توانیم مشکلات امروز افغانستان را حل کنیم



گفتگو کننده: ناجیه نوری

آقای مژده! با سپاس فراوان! در نخست می پرسیم که به نظر شما وضعیت سیاسی افغانستان امروز چگونه است؟

پاسخ: وضعیت سیاسی امروز افغانستان، شباهت بسیار به دورانی دارد که اتحاد شوروی اعلان خروج از افغانستان کرده بود. بی برنامه گی مجاهدین در آن سالها و در عین حال بی برنامه گی اتحاد شوروی برای خروج از افغانستان، شباهت بسیار به وضعیت امروزی دارد. یعنی امریکایی ها می خواهند افغانستان را ترک کنند؛ اما هیچ برنامه برای آینده افغانستان ندارند. طالبان و نیروهای مخالف مسلح دولت نیز اجندایی برای آینده افغانستان - که چه نوع نظام می خواهند و چه خواست هایی برای اصلاح نظام فعلی دارند، - ارایه نکرده اند. بنابراین در حال حاضر ما با سردرگمی بی مواجه هستیم که در دهه هفتاد مواجه بودیم.

پرسش: با توجه به این که حکومت به تنهایی توان مبارزه در برابر طالبان را پس از سال ۲۰۱۴ ندارد، نیاز به یک بستر کلان سیاسی نیست تا نظام افغانستان را ثابت نگهدارد؟

پاسخ: ما بدون اجندای ملی نمی توانیم این مشکل را حل کنیم. بنابراین نیاز است تا تمامی نیروهای مؤثر در افغانستان به یک تفاهم ملی برسند؛ زیرا تفاهم ملی در شرایط فعلی ضرورت اصلی مردم افغانستان است؛ اما متأسفانه حاکمیت امروزی به جای این که این نیروها را با هم نزدیک ساخته و در جهت ساختن یک آینده خوب برای افغانستان از آنان استفاده کند، برعکس تلاش کرده تا این نیروها را از هم جدا بسازد و حتی در مورد نیروها و جهت های سیاسی که با آنان یکجا شده بودند نیز چنین کاری را کرده اند.

طور مثال؛ حزب اسلامی در حال حاضر به چند بخش تقسیم شده است و تلاش ها برای پارچه شدن احزاب دیگر نیز جریان دارد.

پس نیاز است تا جناح های سیاسی مختلف نزدیک شوند و روی یک اجندای ملی به توافق برسند. در غیر آن آینده روشنی در انتظار افغانستان نخواهد بود.

پرسش: پس این امکان وجود دارد که تمامی جریان های سیاسی، شخصیت ها و نخبگان سیاسی یک فضا و بستر کلان سیاسی را به وجود بیاورند؟

پاسخ: به باور من خوب خواهد بود تا تمام جریان های سیاسی در اجندای ملی

نظریات خود را شریک بسازند و در روشنی آن تمامی مسایل افغانستان را به بررسی بگیرند تا به یک نتیجه مثبت برسیم.

مساله بسیار مهم اینکه امریکایی ها از ولسوالی گوشته ولایت ننگرهار عقب نشینی کردند و خاک افغانستان را در اختیار پاکستانی ها قرار دادند و این مساله نشان می دهد که امریکایی ها برای دفاع از خودشان حاضرند تا بخش از خاک افغانستان را در اختیار پاکستان قرار دهند. بنابراین اگر ما قبل از سال ۲۰۱۴ نتوانیم به یک اجندای ملی دست پیدا کنیم، آینده ما تاریک تر از گذشته خواهد بود.

پرسش: یعنی این امکان وجود دارد؟ پاسخ: سوال اصلی این است که اگر این کار را نکنند چه خواهد شد؟ به باور من اگر این کار را نکنند افغانستان با یک چالش بسیار بزرگی مواجه خواهد شد. پس برای آنانی که می خواهند در افغانستان بمانند و آسانی که خواهان یک افغانستان با ثبات و امن هستند، نیاز است تا روی یک اجندای ملی به توافق برسند؛ اما اگر کسانی باشند که با این مساله موافق نباشند، مشخص است که برای افغانستان ارزشی قابل نیستند.

متأسفانه در میان شماری از افرادی که تابعیت دوگانه دارند این تفکر وجود دارد که اگر افغانستان امن بود، زنده گی می کنیم؛ اما اگر نشد به کشورهایی که قبلاً بودیم برمی گردیم و به ما ربطی ندارد که در افغانستان چه خواهد شد. اما وظیفه اصلی را کسانی دارند که دیروز از افغانستان در برابر شوروی ها دفاع کردند. این اشخاص باید دست به دست هم بدهند و افغانستان را از این حالت بیرون بیاورند.

اگر گروه ها و تنظیم های دیروز یک اجندای ملی واحد می داشتند، پس از سقوط حکومت داکتر نجیب با چنین سرنوشتی دچار نمی شدند، بنابراین قبل اینکه وقت بگذرد باید به توافق برسند.

پرسش: شاید افغانستان از جمله محدود کشورهایی است که هویت ملی و وحدت ملی در آن تعریف نشده، بنابراین برای به دست آوردن هویت ملی نیاز به اجندای ملی است. یا بهتر است بگویم که اجندای ملی می تواند هویت ملی را تعریف کند؟ پاسخ: ما در یک جغرافیا معینی زنده گی می کنیم و در یک کشتی به نام افغانستان سوار هستیم که اگر این کشتی غرق شود، همه با هم غرق خواهیم شد؛ بنابراین اجندای ملی باید متکی بر این اصل باشد که ما به عنوان کسانی که در یک خانه معین زنده گی می کنیم، باید با هم کنار بیایم و مشکلات گذشته را فراموش کنیم

و روی یک اجندای ملی به توافق برسیم، اما اگر این کار را نکنیم و افغانستان به چند بخش تقسیم شود، نتیجه آن «چند کشور محاط به خشک گه همیشه با هم درگیر» خواهند بود.

پرسش: در مورد سال ۲۰۱۴ و پس از آن چگونه می اندیشید؟

پاسخ: اگر ما نتوانیم تا سال ۲۰۱۴ به صلح برسیم، بدون شک دوام جنگ برای ما یک بار بسیار سنگین خواهد بود و خارجی ها در پایگاه های خود مستقر خواهند شد و حضور شان در پایگاه ها انگیزه یی برای ادامه جنگ خواهند بود و جنگ افغانی خواهد شد و افغانی شدن جنگ برای ما یک مصیبت بسیار بزرگ خواهد بود.

با وجود این که شماری زیادی از تحلیل گران فکر می کنند که امریکا برای افغانستان طرح و برنامه دارد؛ اما وضعیت افغانستان به حدی پیچیده است که حتی امریکا نیز نمی تواند یک طرح و برنامه روشنی را ارایه کند.

مساله مهم دیگر این که امریکا یک کشور سرمایه داری است و بیشتر از هر چیز به سرمایه و منافع خودش می اندیشند. پس نباید ما امیدوار این باشیم که خارجی ها در افغانستان باقی بمانند و ما نفع ببریم. همان طور که تاریخ گواه است ابر قدرت ها نتوانستند مشکلات افغانستان را حل کنند و مجبور شدند از افغانستان بیرون شوند. پس هیچ خارجی نمی تواند مشکلات ما را حل کند؛ بل تنها افغان ها می توانند مشکلات شان را حل کنند.

بنابراین ما خود باید برای نجات کشور خود یک راه حل مناسب جست و جو کنیم.

پرسش: انتخابات ریاست جمهوری آینده چگونه برگزار خواهد شد؟

پاسخ: انتخابات آینده به مراتب غیر شفاف تر از انتخابات گذشته خواهد بود و اگر در بخش های بزرگ کشور انتخابات برگزار نشود و در یک بخش کوچکی انتخابات صورت گیرد، یقیناً که این انتخابات یک انتخابات شفاف و مورد تایید اکثریت نخواهد بود.

اگر در شماری از مناطق به صورت نمایشی انتخابات برگزار شود و صندوق ها با رای جعلی پر شود و جامعه جهانی به خاطر مصلحت اندیشی یک رییس جمهور تقلبی دیگر را به ما بقبولاند و بگوید که این شخص رییس جمهور شما است و ما از او حمایت می کنیم، این گونه انتخابات نه تنها مشکلات افغانستان را حل نخواهد کرد، بل شکاف ها را بیشتر خواهد ساخت.

بنابراین من فکر می کنیم که قبل از هر کاری رفتن به طرف صلح و مذاکره حتمی است.

در پایان اگر حرف خاصی داشته باشد، بفرماید.

در پایان یک بار تاکید می کنیم که هیچ کاری بدون رسیدن به صلح تحقق نخواهد یافت و اگر میلیون ها دالر به افغانستان سرازیر شود اما صلح نباشد، همه این پول ها تماس کوچکی با اقتصاد افغانستان داشته و دوباره از افغانستان خارج خواهد شد، همانطور که در یازده سال گذشته چنین شده بود. پس تا زمانیکه افغان ها افغانستان را به عنوان خانه مشترک شان ندانند، فکر نمی کنیم که به کمک خارجی ها بتوانیم حتی یک قدم هم به جلو برویم.

شش مدال طلا

حاصل حضور تیم ملی پرورش اندام افغانستان در مسابقات آسیایی



اعضای تیم ملی پرورش اندام افغانستان با کسب شش مدال طلا از مسابقات پرورش اندام قهرمانی آسیا با استقبال گسترده مردم به کشور باز گشتند. هارون اعظمی، در وزن مثبت ۹۰ کیلوگرام، یوسف سخی در وزن منفی ۹۰ کیلوگرام و عارف سخی در وزن ۷۰ کیلوگرام مردان طلایی افغانستان در این مسابقات بودند. هارون اعظمی، در وزن مثبت ۹۰ کیلوگرام، یوسف سخی در وزن منفی ۹۰ کیلوگرام و عارف سخی در وزن ۷۰ کیلوگرام مردان طلایی افغانستان در این مسابقات بودند.

باور هوتک، رییس فدراسیون پرورش اندام افغانستان به خبرگزاری بخی گفت: «تیم ملی کشور در این مسابقات با ۳ ورزشکار، یک مربی و یک ناظر شرکت کرده بود».

آقای هوتک افزود که هارون اعظمی، یوسف سخی و عارف سخی ورزشکاران حاضر در این مسابقات بودند.

مسابقات پرورش اندام قهرمانی آسیا به میزبانی شهر آلماتا، مرکز کشور قزاقستان برگزار شده بود. هارون اعظمی، در وزن مثبت ۹۰ کیلوگرام، یوسف سخی در وزن منفی ۹۰ کیلوگرام و عارف سخی در وزن ۷۰ کیلوگرام مردان طلایی افغانستان در این مسابقات بودند.

با این حال هوتک گفت که این مسابقات در دو بخش برگزار شده بود که ورزشکاران افغان در هر

دو بخش، توانستند مدال طلا کسب کنند. هوتک گفت: «به دلیل بعضی از محدودیت های دینی تیم پرورش اندام بانوان افغانستان از حضور در این مسابقات در کشور قزاقستان خودداری کردند».

تیم ملی پرورش اندام کشور پس افتخار آفرینی در مسابقات قهرمانی آسیا امروز به کشور برگشتند. گفته می شود که صدها تن باشندگان شهر کابل از ورزشکاران کشور به گرمی استقبال کرده اند. پرورش اندام از رشته های پرطرفدار در بین جوانان کشور است.

در جریان چند سال گذشته، تیم های مختلفی از سراسر کشور در بخش پرورش اندام برای حضور در مسابقات ملی و بین المللی اعلام آمادگی کرده اند.

خبرگزاری بخی

شورای همکاری های احزاب خطاب به رییس جمهور:

قانون صلاحیت های کمیسیون انتخابات را توشیح کنید

قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت های کمیسیون مستقل انتخابات و شکایات انتخاباتی ندارد و باید هر چه زودتر باید این قانون را توشیح کند.

قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت های کمیسیون مستقل انتخابات و شکایات انتخاباتی دو هفته پیش بعد از تصویب در هر دو مجلس به ریاست جمهوری ارائه شد.

رضوانی هم چنان در گفت که ادامه کار رییس دادگاه عالی که دوره مأموریت آن به پایان رسیده، خلاف قانون می باشد و رییس جمهور باید هر چه زودتر به این روند غیر قانونی پایان بخشد.

پیش از این نیز احزاب و ائتلاف های سیاسی، ادامه کار رییس دادگاه عالی را خلاف قانون دانسته بودند.

شورای همکاری احزاب و ائتلاف های سیاسی دیروز ۱۰ ثور با انتقاد شدید از تأخیر در توشیح قانون صلاحیت های کمیسیون انتخابات توسط رییس جمهور، خواهان توشیح هر چه زودتر آن شد.

سید محمد علی رضوانی عضو حزب اقتدار ملی با قرائت اعلامیه شورای همکاری احزاب و ائتلاف های سیاسی، خواهان توشیح هر چه زودتر قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت های کمیسیون مستقل انتخابات و شکایات انتخاباتی که بعد از تصویب توسط مجلسین به ریاست جمهوری ارائه شده است، شد.

در این کنفرانس خبری گفته شد که رییس جمهور کرزی هیچ دلیلی برای تأخیر در توشیح

فراغت چهل بانو، از یک دوره آموزش

خبرنگاری در ولایت هرات

مطبوعات دولتی در ولایت هرات راه اندازی این برنامه ها را گام ارزنده برای ظرفیت سازی به بانوان در رشته خبرنگاری خوانده است.

آقای نوری گفت که شماری از رسانه های محلی به خصوص رسانه های دولتی ولایت هرات به بانوان مسلکی و آگاه امور خبرنگاری نیازمند است.

همچنان بانوان اشتراک کننده این ورکشاپ از برگزاری این دوره آموزشی اظهار خرسندی کرده و خواستار تداوم این چنین برنامه ها در هرات شده اند.

سپوژمی صاحب زاده، یک تن از اشتراک کننده های این ورکشاپ می گوید، با اینکه رسانه ها در چند سال گذشته رشد قابل توجهی داشتند، اما فضای کاری در رسانه های محلی، تاهنوز برای زنان مناسب نیست.

فعالیت بانوان خبرنگار و فارغان رشته خبرنگاری از دانشگاه هرات در چند سال گذشته امیدواری هایی را برای افزایش فعالیت زنان در رسانه ها به وجود آورده است.

در حال حاضر بیش از ۳۰ رادیو و تلویزیون محلی در ولایت هرات فعالیت دارند.

کمبود نیروی مسلکی و آموزش دیده از مشکلات اصلی رسانه ها در این ولایت خوانده شده است.

چهل بانوی علاقمند به رشته خبرنگاری در ولایت هرات، پس دو ماه آموزش اساسات خبرنگاری، روز شنبه هفته جاری، سند فراغت شان را دریافت کردند.

به گزارش روزنامه ماندگار به نقل از خبرگزاری بخی قدیر شاهین خبرنگار و مسوول برگزاری این برنامه در ولایت هرات می گوید که در این ورکشاپ ۴۰ بانوی علاقمند به رشته خبرنگاری اشتراک کردند.

آقای شاهین تاکید کرد که اکثر شرکت کننده گان در این دوره آموزشی، دانشجویان دانشگاه و دانش آموزان معارف بودند.

این دوره آموزشی موسوم به زنان و رسانه از سوی موسسه خدماتی پیشرو (وی اس او) و بنیاد جامعه باز افغانستان راه اندازی شده بود.

در این دوره آموزشی اساسات خبرنگاری نوین، تدوین ایدت صدا و تصویر و دوبلاژ به صورت عملی و نظری برای دانش آموزان تدریس شده است.

مسوولان این برنامه می گویند که هر چند این برنامه ها به عنوان پروژه های کوتاه مدت راه اندازی می شود، اما تداوم آن، روی افزایش توانمندی زنان، و بالا رفتن سطح آگاهی آنان از فن خبرنگاری، موثر است.

از سوی دیگر محی الدین نوری، مسوول

Mandegar



IRAN ASEMAN AIRLINES

قابل توجه همشهریان محترم ولایت هرات

اولین پرواز بین المللی از فرودگاه هرات

شرکت هواپیمایی آسمان در نظر دارد پروازهای هفتگی خود

را روزهای یکشنبه هر هفته در مسیر:

هرات - مشهد، تهران و بالعکس

و از آنجا به تمام نقاط دنیا اجرا نماید.

هرات - مشهد - هرات - ۱۰۰۰۰ هرات - مشهد یک طرفه - ۷۳۰۰

هرات - تهران - هرات - ۱۵۰۰۰ هرات - تهران یک طرفه - ۱۰۵۰۰

جهت اطلاعات بیشتر به شماره تلفن های ذیل تماس حاصل فرمائید:

تلفن: 0782305012 - 0782305013-0797902121

ایمیل: herat_aseman@yahoo.com

آدرس: هرات، سرک ولایت، روبروی لیسه افغان ترک

انتشار کتاب‌های دانشگاهی؛ گامی تازه در صنعت نشر افغانستان

علی سلیمی / بی‌بی‌سی



اخیراً مجموعه‌یی از کتابهای درسی و کمک درسی دانشگاهی در کابل با پرداخت و ساختاری تازه و متفاوت منتشر شده است.

این آثار در شرایطی انتشار یافته که کمبود شدید منابع درسی یکی از چالش‌های جدی بر سر راه آموزش عالی افغانستان به شمار می‌رود. تدوین، ترجمه، ویرایش و نشر این مجموعه از تلاشی نو برای پاسخگویی به این نیاز حکایت دارد.

«فشرده تاریخ افغانستان»، «مبانی سازمان و مدیریت»، «مبانی سیاست و حکومت»، «تاریخ سیاسی و فرهنگی افغانستان» و چند اثر دیگر جزو مجموعه‌ای از کتابهای دانشگاهی است که از سوی «نهاد ارتقای دانش» برای رفع نیاز دانشجویان در افغانستان منتشر می‌شود.

ایجاد تغییرات در عرصه آموزش عالی در افغانستان از طریق ترویج پژوهش، تدوین و برگردان آثار علمی و استفاده از منابع و دانش به‌روز جهانی هدف این نهاد است. در این نهاد تیمی از افراد کارشناس در عرصه پژوهش و همچنین مجموعه‌ای از مترجمان و ویراستاران حرفه‌ای کار می‌کنند.

مسئولان این نهاد تازه تاسیس می‌گویند که گزینش این مجموعه پس از یک رشته مطالعه‌های ابتدایی، مشورت با استادان دانشگاه‌ها در کابل و ولایات و بهره‌گیری از تجربه‌های کارشناسان در داخل و خارج از افغانستان صورت گرفته است.

جایگاه منابع درسی دانشگاهی در افغانستان

تولید و انتشار منابع درسی برای دانشجویان در افغانستان تجربه‌ای نو در دهه‌های است که آموزش عالی دچار تغییرات چشمگیری شده است.

در سالهای اخیر جذب دانشجو در دانشگاه‌های دولتی رشدی بیش از بیست درصد داشته و استقبال از آموزش عالی خصوصی نیز بسیار گسترده بوده؛ به گونه‌ای که تنها ظرف یک سال گذشته بیش از ۴۰ دانشگاه خصوصی تازه در

کابل و ولایت ایجاد شده‌اند. با این وصف، رشد کیفی در این عرصه با چالش‌های بسیاری رو به رو بوده که کمبود منابع درسی و کمک درسی از موارد مهم آن به‌شمار می‌رود.

تلاش برخی از مراکز تحصیلات عالی و یا استادان برای عرضه کتاب‌های درسی محدود بوده. جزوات درسی اغلب به‌روز نشده‌اند و بسیاری از استادان با دستاوردهای علمی جدید در رشته مورد تدریس خود آشنایی چندانی ندارند. تمرکز دانشگاه‌های دولتی و خصوصی روی افزایش ظرفیت به دلیل پاسخگویی به نیاز روزافزون متقاضیان تحصیلات عالی، مجال توجه به تولید و عرضه منابع درسی را از آنان گرفته است.

در عین حال، نهادی تخصصی برای تولید و ارائه منابع درسی در افغانستان به وجود نیامده و استادان با تجربه و توانا برای تالیف و یا ترجمه کتاب درسی مورد حمایت قرار نگرفته‌اند. دانشگاه‌ها در افغانستان، برخلاف آنچه امروزه در دنیای آکادمیک معمول است، عموماً فاقد مراکز نشر کتاب هستند، در حالی که ناشران کتاب در افغانستان درک روشنی از چند و چون نیازهای دانشگاهیان به منابع درسی ندارند. از این رو شاید به ندرت بتوان کتابی را یافت که به طور مشخص برای استفاده دانشجویان تدوین و یا ترجمه شده باشد.

مسئولان «نهاد ارتقای دانش» می‌گویند... ادامه صفحه ۶

کنفرانس اجندای ملی

ریفرم سیاسی و ایجاد صلح پایدار در افغانستان

با در نظر داشت اوضاع جاری در افغانستان و نزدیک شدن سال ۱۳۹۳ / ۲۰۱۴ زمان خروج نیروهای بین‌المللی از کشور، و به منظور بهبود روند جاری در افغانستان، بنیاد شهید احمدشاه مسعود بنا بر مسوولیت ملی خویش و به سلسله تلاش‌های پیگیرش، به‌هدف ایجاد نزدیکی و تفاهم میان نخبگان کشور در محور یک اجندای ملی، تدویر یک نشست بین‌الافغانی را در نظر دارد.

بدین منظور، از همه نخبگان سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور که به‌خاطر جستجوی راه‌حل ملی تلاش فراوان داشته‌اند، ارادتمندانه تقاضا داریم که از اشتراک و سهم‌گیری خویش در این نشست، دفتر مرکزی بنیاد شهید مسعود را قبلاً اطلاع دهند.

دفتر مرکزی بنیاد شهید احمدشاه مسعود

ایمیل و شماره‌های تماس:

awmasoud@hotmail.co.uk - ۰۷۰۰۰۵۰۰۰۰

rowzana@yahoo.com - ۰۷۰۰۲۷۷۷۸۱

mandegar.daily@gmail.com - ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰

۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲

پسری در ولایت هرات مادرش را سر برید

امنیت فرماندهی امنیه ولایت هرات گفت که این زن به اسم پروین، در حدود سی و پنج سال سن داشته است. آقای حمیدی می‌گوید که این حادثه دوشب پیش در داخل منزل این بانو در مربوطات ناحیه دوازدهم شهر هرات رخ داده است.

او افزود که فرد قاتل یک جوان ۱۸ ساله است. آمر امنیت فرماندهی امنیه ولایت هرات افزود که پسر این بانو، زمانی که قصد فرار را داشت توسط ماموران امنیتی بازداشت شده است.

پولیس ولایت هرات، اختلافات خانوادگی را عامل اصلی این رویداد خوانده است.

در چند سال گذشته این نخستین بار است که یک زن از سوی فرزندش قربانی می‌شود.

در جریان چند ماه گذشته ولایات... ادامه صفحه ۶



مقام‌های محلی در ولایت هرات می‌گویند که یک بانوی جوان از سوی پسرش در شهر هرات سر بریده شده است. ماندگار به نقل از بخدی: جنرال عبدالحمید حمیدی، آمر

روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد



برای دانشجویان و اساتید دانشگاه

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی

شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی

یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفاتر خارجی

سه ماهه - ۱۰۰ دالر

شش ماهه - ۲۰۰ دالر

نه ماهه - ۳۰۰ دالر

یک ساله - ۴۰۰ دالر

روزنامه ماندگار

Mandegar Daily newspaper

نارسیده به منزل یا دفاتر

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی

شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی

یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر

سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی

شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی

یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی



حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: +۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - +۷۸۴۳۰۱۶۴۰